

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما می توانید با مراجعه به **GOOGLE PLAY** و **APP STORE** نرم افزار SKYTRAVELS را دانلود نمایید.



020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



Azizi Bank
Master Card



[f](#) [in](#) [t](#) [v](#) [y](#) [t](#) [u](#) [b](#) [e](#) [www.azizibank.af](#) **1515**

**وقتی که
مجرم مجری
قانون می شود**

سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری، از ایجاد «شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری» خبر داده است. آقای دانش فرمان...

<p>۱. رئیس هیئت امنان بانک ۲. رئیس هیئت مدیره بانک ۳. مدیر عامل بانک ۴. رئیس اداره مالی اعتبارات ۵. مدیر عامل بانک ۶. مدیر عامل بانک ۷. مدیر عامل بانک ۸. مدیر عامل بانک ۹. مدیر عامل بانک ۱۰. مدیر عامل بانک ۱۱. مدیر عامل بانک ۱۲. مدیر عامل بانک ۱۳. مدیر عامل بانک ۱۴. مدیر عامل بانک ۱۵. مدیر عامل بانک ۱۶. مدیر عامل بانک ۱۷. مدیر عامل بانک ۱۸. مدیر عامل بانک ۱۹. مدیر عامل بانک ۲۰. مدیر عامل بانک</p>	<p>۱. رئیس هیئت امنان بانک ۲. رئیس هیئت مدیره بانک ۳. مدیر عامل بانک ۴. رئیس اداره مالی اعتبارات ۵. مدیر عامل بانک ۶. مدیر عامل بانک ۷. مدیر عامل بانک ۸. مدیر عامل بانک ۹. مدیر عامل بانک ۱۰. مدیر عامل بانک ۱۱. مدیر عامل بانک ۱۲. مدیر عامل بانک ۱۳. مدیر عامل بانک ۱۴. مدیر عامل بانک ۱۵. مدیر عامل بانک ۱۶. مدیر عامل بانک ۱۷. مدیر عامل بانک ۱۸. مدیر عامل بانک ۱۹. مدیر عامل بانک ۲۰. مدیر عامل بانک</p>	<p>۱. رئیس هیئت امنان بانک ۲. رئیس هیئت مدیره بانک ۳. مدیر عامل بانک ۴. رئیس اداره مالی اعتبارات ۵. مدیر عامل بانک ۶. مدیر عامل بانک ۷. مدیر عامل بانک ۸. مدیر عامل بانک ۹. مدیر عامل بانک ۱۰. مدیر عامل بانک ۱۱. مدیر عامل بانک ۱۲. مدیر عامل بانک ۱۳. مدیر عامل بانک ۱۴. مدیر عامل بانک ۱۵. مدیر عامل بانک ۱۶. مدیر عامل بانک ۱۷. مدیر عامل بانک ۱۸. مدیر عامل بانک ۱۹. مدیر عامل بانک ۲۰. مدیر عامل بانک</p>	<p>فرمان رئیس هیئت امنان بانک رئیس هیئت مدیره بانک مدیر عامل بانک رئیس اداره مالی اعتبارات مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک</p>
---	---	---	--

**«شورای عالی
حاکمیت قانون و
مبارزه علیه فساد
اداری» ایجاد شد**

به قویترین سیگنال ها دسترسی داشته باشید!
از سریعترین اینترنت 3G استفاده نمایید

16GB در بدل 1800 افغانی
مدت اعتبار: ۳۰ روز
برای اشتراک: 16GB را به ۱۵۱ ارسال نمایید



افغان بیسیم
AFGHAN WIRELESS

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

یک شرکت افغانی، توسط افغانها، برای افغانها

۱۵۲



دوشنبه
۱ سنبله
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۱۳۲



یادداشت روز

وقتی که مجرم مجری قانون می‌شود

سرور دانش معاون دوم ریاست‌جمهوری، از ایجاد «شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری» خبر داده است. آقای دانش فرمان ریاست‌جمهوری مبنی بر ایجاد این شورا را منتشر کرده و گفته است این فرمان به تاریخ ۲۷ اسد صادر شده است. شورای عالی حاکمیت قانون که تحت ریاست محمد اشرف غنی ایجاد شده است دارای سه کمیته است: دو کمیته‌ی آن (کمیته‌ی قوانین و کمیته‌ی عدلی و قضایی) زیر نظر آقای دانش کار خواهند کرد و کمیته‌ی سوم که عبارت از کمیته‌ی مبارزه علیه فساد اداری باشد، زیر نظر لوی‌سارنوال کار خواهد کرد. شمار زیادی از مقامات عالی‌رتبه‌ی حکومتی و وزارت‌های کلیدی اعضای شورای عالی حاکمیت قانون را تشکیل می‌دهند.

شورای عالی حاکمیت قانون از صلاحیت‌های فراوانی برخوردار است که در مجموع اهداف ذیل را دنبال می‌کند: اصلاح و تقویت نظام عدلی و قضایی، اصلاح قوانین و سایر اسناد تقنینی و مبارزه‌ی همه‌جانبه علیه فساد اداری. این شورا پس از آن ایجاد شده است که حکومت وحدت ملی یک ماه قبل (مرکز عدلی و قضایی) را تأسیس کرد. مرکز عدلی و قضایی نیز به‌منظور مبارزه با فساد ایجاد شد و حکومت اعلام کرد که این مرکز پرونده‌های فساد مقامات ارشد حکومت پیشین و کنونی را دنبال خواهد کرد. رییس اجراییه در افتتاح این مرکز گفت اصلاحات در سیستم عدلی و قضایی کشور آغاز شده است. فرید حمیدی، لوی‌سارنوال کشور هم گفت با ایجاد این مرکز، عدالت تأمین می‌شود، کمیته‌ی قانون به‌وجود می‌آید و به مردم فرصت داده می‌شود که در سایه‌ی حمایت از قانون زندگی کنند و برای حمایت از حقوق، آزادی‌ها، عدالت و حاکمیت قانون امیدوار باشند. شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد چه از نظر اهداف و ترکیب با مرکز عدلی و قضایی تفاوت چشم‌گیری ندارد.

پس از تأسیس مرکز عدلی و قضایی، شورای عالی حاکمیت قانون زمانی تشکیل می‌شود و به فعالیت آغاز می‌کند که چندین نهاد دیگر با تشکیلات گسترده و مشابه، عملاً در بدنه‌ی حکومت فعال‌اند. به‌طور مثال، اداره‌ی عالی نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری، اداره‌ی عالی تفتیش، لوی‌سارنوالی و چند ریاست دیگر که در بدنه‌ی وزارت داخله و امنیت ملی وجود دارند و در زمینه‌ی مبارزه با فساد عمل می‌کنند. مجموع این‌ها فهرست بلند بالایی را نشان می‌دهد.

آیا صرف تأسیس نهادهای متعدد می‌تواند سبب کاهش پدیده‌ی فساد اداری شود؟ به‌عبارت روشن‌تر؛ رشد فزاینده‌ی فساد اداری ناشی از نبود نهادهای مبارزه با فساد است؟

واضح این است که آوازه‌ی بلند فساد اداری و مالی در افغانستان را مأموران عادی حکومت به راه نینانداخته است. شهرت جهانی را که افغانستان در فساد کسب کرده است مرهون کسانی است که سمت‌های بلندی در حکومت دارند. به همین دلیل حکومت یک ماه قبل مرکز عدلی و قضایی را ایجاد کرد تا پرونده‌های زخیم مقامات بلندپایه‌ی حکومتی را که متهم به فساد هستند بررسی کند. جالب این‌جاست، هربار که نهاده‌ی در راستای مبارزه با فساد تشکیل می‌شود اعضای آن را مقامات ارشد حکومتی تشکیل می‌دهند. مساله‌ی فساد مالی و اداری در افغانستان ناشی از نبود یا کمبود نهاد مبارزه با فساد نیست. چه‌بسا که رشد فساد اداری با ایجاد نهادهای فراوان مبارزه با آن همساز بوده است. به این معنا که، به میزانی که نهاد مبارزه با فساد بیشتر شده است فساد هم فره‌تر شده است. از این نظر تأسیس نهادهای مبارزه با فساد نه‌تنها تأثیری در کاهش فساد نداشته بلکه آن را تقویت هم کرده است.

فساد اداری و مالی عوامل متعدد دارد. با توجه به تجربه‌های گذشته، مبارزه‌یی را که حکومت در مقابل فساد اداری به راه انداخته در کنار این‌که منجر به کاهش فساد نخواهد شد، بیانگر شناخت نادرست مدیران از پدیده‌ی فساد هم هست. کاهش فساد فقط در یک صورت ممکن است و آن شناسایی دقیق پدیده‌ی فساد است. نهادسازی به‌شویویی که اکنون جریان دارد غول فساد را فره‌تر می‌کند. مساله‌ی فساد ناشی از فقدان پالیسی یا اموری که این نهادها آن را دنبال می‌کنند نیست. در حال‌حاضر به اندازه‌ی کافی قوانین و نهادهای مجری و نظارت از قانون وجود دارد اما چون هیچ‌یک تطبیق نمی‌شود و در عملکرد مقامات بلند حکومتی صداقت و تعهد و پای‌بندی به قانون دیده نمی‌شود و اراده برای حاکمیت قانون وجود ندارد، همه چیز به فساد ختم می‌شود. در صورتی‌که استخدام‌ها و قراردادها شفاف باشد، حکومت از نهاد خانوادگی و خویشاوندی به امر عمومی تبدیل شود طوری‌که هر شهروند شایسته، تحصیل کرده و با تجربه‌ی این کشور فرصت کار در آن را بیابد؛ در صورتی‌که مسئولین حکومتی از خود تقدیر نکنند و مدال‌ها را بر سینه‌ی خود و دوستانش بدون هیچ دلیل موجهی نصب نکنند و به‌جای بالا بردن معاش دوستانش به حقوق مأمورین توجه کنند و به‌جای تطبیق قانون به غول‌های قانون‌شکن تبدیل نشوند، وضعیت جامعه‌ی ما تغییر خواهد کرد.

اگر شیوه‌ی کنونی تقویت نهادهای موازی جواب می‌داد، وضعیت امنیتی و فسادی که در رهبری پولیس وجود دارد اکنون تغییر کرده بود. ولسوالی‌ها سقوط می‌کنند؛ دلیل عمده‌ی آن این است که به سربازان آب و غذا و امکانات جنگی توزیع نمی‌شود. پس از آن‌که مناطق سقوط کرد حکومت فوراً کمیسویی می‌سازد تا گویا در مورد آن تحقیق کنند. کمیسیون‌ها مثل نهادهای مبارزه با فساد بدون آن‌که گزارش‌شان را نشر کنند و کسانی را که مقصر بوده‌اند شناسایی کرده و مورد بازپرس قرار بدهند، پی کارشان می‌روند. درست همان‌گونه که کمیسیون‌سازی‌های حقیقت‌یاب نتوانستند وضعیت جنگ را تغییر دهند، نهادهای مبارزه با فساد هم بدون شک نمی‌توانند با فساد مبارزه کنند.

«شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری»

ایجاد شد

ج: کمیته‌ی مبارزه علیه فساد اداری دادستان کل ریاست این کمیته را به عهده دارد و وزیر مالیه، وزیر عدلیه، وزیر امور داخله، رییس عمومی د افغانستان بانک، رییس عمومی اداره‌ی عالی نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری، رییس اداره‌ی عالی تفتیش، مشاور رییس‌جمهور در امور شفافیت و مبارزه علیه فساد اداری، مشاور حقوقی معاون اول رییس‌جمهور، مشاور حقوقی ریاست اجراییه، رییس عمومی تفتیش دادگاه عالی، نماینده‌ی ریاست امور حقوقی، تقنینی و قضایی اداره‌ی امور و سایر مسئولان ادارات بنابر ضرورت به دعوت رییس کمیته از دیگر اعضای این کمیته می‌باشند.

وظایف و اهداف

براساس فرمان رییس‌جمهور شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱- طرح و تصویب استراتژی ملی، پلان‌ها و پالیسی‌های دولت در زمینه‌های حاکمیت قانون، تأمین عدالت و مبارزه با فساد اداری
۲- تصویب و منظوری فیصله‌ها و پیشنهاده‌ها و طرح‌های ارایه شده از سوی کمیته‌های فرعی و ادارات مربوطه
۳- حمایت از اجراءت و تصامیم مرکز عدلی و قضایی مبارزه علیه فساد اداری
۴- ایجاد هماهنگی میان تمویل کنندگان جهت تمویل و تقویت برنامه‌های شورای عالی
۵- صدور رهنمود برای ادارات دولتی در جهت ترتیب و تطبیق برنامه‌های مؤثر در زمینه‌ی اهداف شورای عالی
۶- صدور رهنمود و هدایات لازم به کمیته‌های فرعی و حمایت از تصامیم آن‌ها
۷- دریافت گزارش از نهادها و ارگان‌های ذی‌ربط دولتی و غیر دولتی.

این شورا با در نظرداشت صلاحیت‌هایی که در بالا آمده، اهداف ذیل را دنبال و اجرایی سازد:

۱- اصلاح و تقویت نظام عدلی و قضایی مبتنی بر حاکمیت قانون، رعایت حقوق بشر و دسترسی به عدالت

۲- اصلاح قوانین و سایر اسناد تقنینی در راستای اهداف دولت جمهوری اسلامی افغانستان

۳- مبارزه‌ی مؤثر، قاطع و همه‌جانبه علیه انواع فساد اداری
این شورا پس از آن ایجاد می‌گردد که در اوایل ماه سرطان ریاست‌جمهوری «مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری» را ایجاد کرد. بررسی و رسیدگی جرایم سنگین ناشی از فساد اداری در کشور مطابق به احکام قانون از صلاحیت‌های اختصاصی مرکز عدلی و قضایی می‌باشد.

شهرداری کابل برای اخذ جواز ساختمانی «سیستم آن لاین» ایجاد

کرده است

اطلاعات روز: شهرداری کابل برای اخذ جواز ساختمانی از یک مرجع واحد، سیستم آن‌لاین ایجاد کرده و آن را در روز شنبه افتتاح کرد.

عبدالله حبیب‌زی، سرپرست شهردای کابل در محفلی که به همین مناسبت برگزار شده بود، گفت با افتتاح این

سیستم شهروندان کابل شاهد عرضه‌ی خدمات سریع‌تر با کیفیت بهتر، جلوگیری از فساد اداری، مدیریت برتر، زمان‌بندی دقیق، نظارت و پیش‌رفت کار درخواست دهندگان در هر زمان و مکان برای طی مراحل اخذ مجوز ساختمانی خویش خواهند بود.

این سیستم برای سرمایه‌گذاران سهولتی را فراهم می‌کند که می‌توانند بدون حضور فیزیکی در ادارات، از طریق آن‌لاین جواز ساخت ساختمان را در فرصت زمانی کم

کره‌ی جنوبی برای ماین‌پاکی در افغانستان ۲۰ میلیون دالر کمک‌ شد

خطر قرار دارند زیرا این افراد در اراضی که برای‌شان شناخته شده نیست، گشت و گذار می‌کنند.

در خبرنامه‌یی که از طرف اداره‌ی ملی آمادگی مبارزه با حوادث افغانستان، ریاست انسجام و هماهنگی تطهیر ماین، به اطلاعات روز فرستاده شده آمده است که از عملیات ماین‌پاکی با استفاده از این وجوه، تخمیناً ۷۰ هزار افغان که در نزدیکی ساحات ملوث زندگی می‌کنند، مستفید خواهند شد. این افراد شامل کسانی هم می‌باشند که در فاصله‌ی کمتر از ۵۰۰ متر از ساحات ملوث زندگی می‌کنند و همچنان باشندگان قریه‌ها و شهرهای همجوار خواهند توانست از زمین‌هایی که قبلاً قابل دسترسی نبوده، استفاده نمایند.

نمایشگاه «بازار روستایی» از سوی وزارت

احیا و انکشاف دهات در چندین ولایت

راه‌اندازی شده است

اطلاعات روز: وزارت احیا و انکشاف دهات در دو ولایت، بلخ و پروان، نمایشگاه صنایع روستایی و دستی را زیر نام «بازار روستایی» راه‌اندازی کرده است.

اکبر رستمی، سخن‌گوی این وزارت می‌گوید هدف از این نمایشگاه بازاریابی، تقویت متشبثین محلی، معرفی تولیدات محلی از قبیل صنایع دستی و محلی می‌باشد.

آقای رستمی می‌افزاید که وزارت احیا و انکشاف دهات از طریق برنامه‌ی ملی انکشاف صنایع روستایی این وزارت به هدف ایجاد زمینه‌های اشتغال برای مردان و زنان روستایی، افزایش عواید، بازاریابی، تقویت و همکاری مالی به متشبثین روستایی، ایجاد نمایشگاه‌ها و معرفی تولیدات و صنایع روستایی پروژه‌های مختلف را در ولایت‌های پروان، بامیان، بلخ، هرات، ننگرهار و قندهار عملی می‌کند.

به گفته‌ی این مقام وزارت احیا و انکشاف دهات، ایجاد نمایشگاه‌ها برای معرفی تولیدات روستایی به‌خصوص صنایع دستی از اهداف اساسی برنامه‌ی انکشاف صنایع روستایی این وزارت است.

این وزارت به همین سبب هفته‌ی گذشته نمایشگاهی را در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، راه‌اندازی کرد و به روز جمعه نمایشگاهی را در شهر مزار شریف برای سه روز راه‌اندازی کرده است. در شهر چاریکار، مرکز ولایت پروان، نیز به روز شنبه این نمایشگاه آغاز شده است.

آقای رستمی می‌گوید قرار است روز دوشنبه، نمایشگاه بازار روستایی در ولایت بامیان نیز راه‌اندازی شود.

به گفته‌ی سخن‌گوی وزارت احیا و انکشاف دهات، در این نمایشگاه‌ها بیش از ۲۰۰ تولیدکننده و متشبث محلی تولیدات و محصولات خود را به نمایش می‌گذارند.

نقش زنان در نمایشگاه‌های صنایع دستی نسبت به مردان بیشتر است و حدود۹۰ درصد غرفه‌ها مربوط زنان می‌شود. این نمایشگاه تولیدکنندگان و متشبثین را کمک می‌کند، تا بازاریابی کنند و برای تولیدات و محصولات خود به بازار راه پیدا کنند.

وزیر دفاع در قندوز: برای سرکوب

طالبان عملیات آغاز می‌شود

اطلاعات روز: پس از دست‌به‌دست شدن ولسوالی خان‌آباد قندوز میان طالبان و نیروهای امنیتی کشور و درگیری در چندین ساحه‌ی ولایت قندوز، وزیر دفاع ملی به قندوز رفته و با مقام‌های ارشد پولیس و ارتش برای اجرای عملیات علیه جنگجویان گروه طالبان برنامه‌ریزی می‌کند.

عبدالله حبیبی به روز یک‌شنبه در قندوز گفت: «من به‌خاطر رفع تشویش مردم و بررسی وضعیت امنیتی به این ولایت سفر کرده‌ام.»

وزیر دفاع همچنان گفته که برای نیروهای ارتش، به رهبری جنرال مراد علی مراد، هدایت داده شده تا عملیات گسترده‌یی را به‌منظور مهار ساختن طالبان در ولایت قندوز راه‌اندازی نمایند.

آقای حبیبی در نشست خبری‌یی که داشت گفت به زودترین فرصت با راه‌اندازی عملیات تمام ساحات تحت کنترل مخالفان مسلح دولت در قندوز پاکسازی خواهند شد.

در همین حال معاون رییس ستاد ارتش که فرماندهی نبرد قندوز را به عهده دارد می‌گوید الویت برنامه‌های حکومت سرکوب طالبان جنگی در قندوز است.

آقای مراد می‌گوید عملیات نابودسازی طالبان در قندوز از چند سو آغاز شده است. او هشدار داده گفت: «پس از این طالبان مرده و بیمار در قندوز جا خواهند داشت و هشدار می‌دهم که از این طالبان فعال و جنگی در قندوز نابود می‌شوند.»

حوالی صبح روز شنبه گروهی از طالبان مسلح بر ولسوالی خان‌آباد حمله کرده و کنترل آن را به‌دست گرفتند. عصر آن روز نیروهای امنیتی عملیات شان را آغاز کرده و شام روز شنبه دوباره این ولسوالی را پس گرفتند.

پس از آن طالبان در مسیر شاهراه قندوز-ولسوالی علی‌آباد حمله کردند. محمد قسیم جنگل‌یاع، فرمانده پولیس قندوز به روز یک‌شنبه گفت این حمله به عقب رانده شده و طالبان تلفات سنگینی را متحمل شده‌اند. او گفته است به نیروهای امنیتی آسیب نرسیده است.



خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

کارخانگه های طالبان

به حکومت

یکراست برویم سر اصل مطلب. فعلاً دو آدرس کلی برای حکومت وحدت ملی کارخانگی می‌دهند. یکی جامعه جهانی و دیگر تروریستان.

جامعه جهانی سالانه به افغانستان کمک می‌کند و در بدل کمک‌های خویش از حکومت افغانستان توقعاتی نیز دارد. مثلاً جامعه جهانی از حکومت افغانستان می‌خواهد که علیه فساد اداری مبارزه کند. همین چند ماه قبل وقتی همه در شهر وارسای لهستان جمع شد، اشرف غنی و عبدالله بالبان خندان و چهره‌های معصوم خویش به همه قول دادند که علیه فساد گام‌های موثر برخواهند داشت.

مبارزه با فساد، کارخانگی بی‌است که جامعه جهانی به حکومت وحدت ملی داده، این که رییس‌جمهور محمد اشرف غنی هر روز یک کمیسیون تازه و یک شورای خوش مزه برای مبارزه با فساد می‌سازد، ربطی به جامعه جهانی ندارد. به حکومت وحدت ملی ربط دارد. حکومت وحدت ملی اختیار کامل دارد که چه شورایی و چه کمیسویی را می‌سازد و چه افرادی را در راس و بدنه و تحت این کمیسیون قرار می‌دهد. حتا اگر تمام اعضای این شوراهای و کمیسیون‌ها را فسادآفیسران حکومت گذشته و حال شکل بدهد.

در کنار جامعه جهانی، یک آدرس کلی دیگر هم وجود دارد که مدام به حکومت معصوم وحدت ملی ما کارخانگی می‌دهد، این آدرس، تروریستان است که گاهی به نام طالبان یاد می‌شوند و گاهی به نام داعش. تروریستان همان‌گونه که از نام‌شان پیداست، با راکت و بمب و جلیقه و تفنگ به میدان می‌آیند. البته طرف یک سال که چندین ولسوالی را سقوطانیده، تانک‌های هاموی و رنجرهای مقبول پولیس و اردو را نیز به‌دست آورده‌اند. بعد فاجعه‌ی را خلق می‌کنند، خوب که مطمئن شدند آن‌چه را آن‌ها انجام داده فاجعه است؛ سپس خرامان خرامان به خانه‌های امن خویش می‌روند. سپس حکومت وحدت ملی سریع وارد عمل شده و در اولین قدم موثر خویش، چند نفر فراموثر را انتخاب کرده، گاهی نام‌شان را کمیسیون حقیقت‌یاب و گاهی نام‌شان را هیأت حقیقت‌یاب می‌گذارند.

بلی باب‌جان! حکومت وحدت ملی در کنار مبارزه علیه فساد، مکلف به رسیدگی به جنایات هم است. چون رسیدگی به جنایات هم شیبه مبارزه با فساد در تشکیل کمیسیون‌ها و شوراهای مختلف‌النام خلاصه می‌شود، می‌توان گفت که این هم برای حکومت وحدت ملی یک نوع کارخانگی است.

البته هیچ جای شک نیست شما از من بپرسید که آیا حکومت در انجام کارخانگی‌های خویش موفق است یا ناکام؟ من جواب قانع‌کننده‌ی خدمت شما ندارم. فقط می‌توانم بگویم که با ده‌ها کمیسیون و مرکز ویژه و شوراهای عالی مبارزه با فساد، تا هنوز یک تار مو هم از سر فساد کم نشده. شما در هر اداره‌ی دولتی که بروید، مقدار فساد در آن اداره، اگر چهار برابر مقدار اکیس‌جش نباشد، سه برابر که حتماً است. همین‌طور شماره‌ی کمیسیون‌ها و هیأت‌های حقیقت‌یاب هم به حول و قوه‌ی الهی از پنجاه بالا شده. هرچند که هیچ حقیقتی یافت نشده، اما شماری از کمیسیون‌ها در گذشته موفق شدند که حقیقت‌ها را بیابند. طبق گزارش‌ها و لیخنده‌های مقامات در واکنش به فاجعه‌های تروریستی، حکومت وحدت ملی از بافتن حقیقت‌ها راضی‌اند. البته حکومت در این زمینه حق هم دارد، بعضی از جنایات در جاهای اتفاق می‌افتد که اگر روزانه ۵ لک کلداری به طالبان ندهی، حتا یک دقیقه هم اجازه نمی‌دهد آن‌جا بروی. اما بعضی از فاجعه‌ها آن‌قدر آشکار است که اگر حقیقت‌ها را از نوع دیگر نبافی، نزد مردم بی‌آب می‌شوی. برای همین میان تروریستان و حکومت یک نوع لچ افتاده. طالبان لچ کرده که حقیقت‌باختن را به عنوان کارخانگی قبول نمی‌کنند و حکومت هم لچ کرده که حقیقت‌باختن را تمرین نمی‌کند.

حالا شما سه سال بعد خویش را از روی انجام کارخانگی‌های حکومت وحدت ملی به خصوص انجام کارخانگی‌های که طالبان به حکومت می‌دهند، حدس بزنید. دل‌تان که خوشحال می‌شوید یا غمگین. من رفته‌م سیروم زنده ماندن را بخرم.

حیات‌الله حیات که حدود سه ماه قبل مسئولیت ولایت هلمند را عهده‌دار شد، گفت: «حتا اگر ده‌ها نفر بمیرند، بی‌سروصدا آن‌ها را دفن می‌کنند - نه تظاهراتی، نه شکایتی. مردم در این‌جا چنان با مرگ خو گرفته‌اند که قلب آدم را می‌شکند. آن‌ها مثل زمین هستند - حتا آبی از آن‌ها شنیده نمی‌شود». نظر به آمار وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان، در جریان پانزده سال گذشته، حدود ۲۲۰۰۰ خانواده، به‌صورت مجموعی بیش از ۱۳۰ هزار تن، در هلمند بیجا شده‌اند و بسیاری از آن‌ها بارها بیجا شده‌اند. اما آقای حیات گفت که این برآورد بسیار پایین است و تعداد واقعی [بیجاشدگان] به حدود ۵۰ هزار خانواده خواهد رسید. آقای حیات گفت: «صرف به‌دلیل درگیری‌های اخیر، در حدود دو هفته، ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ خانواده بیجا شده‌اند و ما در مورد پانزده سال صحبت می‌کنیم». آقای حیات گفت که قبل از درگیری‌های اخیر، ۱۴۰ مکتب در این ولایت مسدود بود و احتمالاً این رقم حالا به چند صد [مکتب] رسیده است. در مورد تلفات، آمار دقیقی وجود ندارد که چه تعداد افراد احتمالاً در طول جنگ در ولایت هلمند کشته یا زخمی شده‌اند. دفتر یا فهرست کلی، به جز برآوردها و غم و اندوه شخصی، وجود ندارد.

خان، حساب از دست دادن عزیزترین‌هایش را روی شانه‌ی راستش خالکوبی کرده بود: گران برادرش و غلام‌سخی دوستش. در مورد آخرین تلفات، او به خالکوبی نیازی ندارد. زخم‌ها و معیوب بودنش برای یادآوری کافی است. آمارهای سازمان ملل متحد که صرف از سال ۲۰۰۹ بدین‌سو به‌طور سیستماتیک تلفات ملکی در افغانستان را ردیابی کرده است، نشان می‌دهد که مناطق جنوبی افغانستان و هلمند در مرکز جنگ در این منطقه تا حالا تأثیرپذیرترین بوده است. صرف از ماه جنوری تا ماه جون سال جاری، ۱۴۴۴ کشته و زخمی غیرنظامی در ولایت‌های جنوبی در فهرست این اداره وجود دارد. دیداری از شفاخانه‌ی ایمرجنسی در لشکرگاه، مرکز ممتاز جراحی [زخمی‌های] جنگی در این ولایت، این نگاه اجمالی را میسر می‌کند که چگونه جریان ثابت باقی مانده است. در ۱۸ روز نخست ماه اگست، حدود ۲۵۰ زخمی در این شفاخانه ثبت شده‌اند. ویسنا نیستروویچ، هماهنگ‌کننده‌ی پزشکی این شفاخانه، در مورد شدت گرفتن اخیر درگیری‌ها گفت: «روزهایی است که در ۲۴ ساعت تا ۳۷ مریض به شفاخانه مراجعه می‌کنند. در یکی از روزها، ۲۶ نفر در دو ساعت به شفاخانه مراجعه کردند. در روزهای اخیر، ما باید بسترهای اضافی آماده می‌کردیم تا اطمینان حاصل کنیم که آمادگی تداوی مردم هستیم».

این حقیقت بر درد خانواده‌هایی چون خانواده‌ی خان، که بین دو طرف درگیر جنگ گیر مانده‌اند، می‌افزاید که آن‌ها به‌ندرت می‌دانند دقیقاً چه کسی (کدام طرف از طرف‌های درگیر جنگ) عزیزان‌شان را کشته است. مادر خان گفت: «هر دو طرف در حال جنگ بودند. معلوم نیست که آیا هاون توسط طالبان شلیک شد یا مقام‌ها». «خداوند جزای هردوی‌شان را بدهد». خان گفت: «من واقعاً نمی‌دانم که هاون توسط کدام طرف شلیک شد تا بزرگان را جمع کنم و نزد آن‌ها بروم و بگویم که چنین ظلمی در حق من و خانواده‌ام روا داشته‌اند». به‌هر حال، حیات یک افغان در هلمند چقدر ارزش داشته است؟ امریکایی‌ها بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴، در ۱۶۳۰ مورد به‌طور اوسط ۲۹۸۵ دالر جبران خسارت بدون قبول اشتباه (Condolence Payment) پرداخت کرده است. بریتانیایی‌ها که نزدیک به ۵۰۰۰ ادعای خسارت یا تلفات را تسویه کرده‌اند، در مقابل هر کشته حدود ۴۰۰۰ دالر پرداخته‌اند.

اگر این هاون طالبان بود؟ یکی از سخن‌گویان ستیزه‌جویان [طالبان] گفت جبران خسارت آن‌ها برای تلفات ملکی که یک کمیسیون تازه‌تشکیل به آن رسیدگی می‌کند، از یک مورد تا مورد دیگر فرق می‌کند. عمر زواک، سخن‌گوی والی هلمند، گفت حکومت به خانواده‌هایی «که یک عضوشان را از دست داده‌اند یا یک زخمی دارند و فقیرند و نان‌آور مرد ندارند» کمک کرده است. آن‌ها ماهانه حدود ۷۵ دالر و مواد غذایی ابتدایی، از قبیل روغن برای پخت‌وپز، برنج، شکر، لوبیا و آرد دریافت می‌کنند.



فلج بودن و پارچه‌پارچه شدن خانواده؛

سهم یک افغان از درد جنگ دایمی

نیویارک تایمز / مجیب مشعل و تیمور شاه ■ ترجمه: حمید مهدوی



لشکرگاه، افغانستان

مدت‌ها قبل خمپاره‌ی هاون فرود آمد و نیمی از اعضای خانواده‌ی عزت‌الله خان را کشت و آن‌ها حیات‌شان را در یک مسابقه‌ی بی‌رحمانه و طولانی با مرگ از دست دادند. خانواده‌ی خان که سال‌ها در ولایت هلمند کشت و زرع کرده بودند، ابتدا به‌سختی از خشک‌سالی بی‌رحمانه جان سالم به‌در بردند. سپس، جنگ بی‌امان میان نیروهای ناتو و طالبان این خانواده را از روستای اجدادی‌شان در ولسوالی کجکی بی‌جا کرد و وادارشان کرد که در یکی از جنگ‌زده‌ترین مناطق محله‌به‌محله تغییر مکان بدهند. [اعضای این خانواده] برادران، برادرزاده‌ها و دوستان‌شان را در امتداد راه از دست دادند. حدود سه سال قبل، خان و خانواده‌اش سرانجام در جایی که پناهگاهش فکر کرده بودند، در خانه‌ی گلین سه‌اتاقه در محله‌ی چاه انجیر در نزدیکی لشکرگاه، اسکان گزیدند. خانواده‌ی او بخشی از جریان مداوم افغان‌های بیجاشده به‌سمت این شهر بودند که هم‌زمان با حضور سنگین نیروهای امنیتی در آن‌جا، به دنبال پناهگاه بودند. حتا در زمانی که دیگر مناطق پهناور این ولایت دست‌به‌دست شده و مردم زیرپا می‌شدند، خان گفت که او پس از سال‌ها برای اولین بار نسبتاً احساس امنیت می‌کرد. سپس، در زمستان سال گذشته، جنگ و درگیری به دروازه‌های مرکز ولایت رسید. همسایه‌های خان، یکی پس از دیگری، باروبه‌شان را بستند و رفتند و او و خانواده‌اش به فکر تغییر مکان دیگری شدند، این‌بار به لشکرگاه. یک روز قبل از آن‌که قرار بود آن‌ها بروند، خمپاره‌ی هاون اصابت کرد. حدود هشت ماه قبل - او تاریخ دقیقش را به یاد ندارد - حدود ساعت دو بعد از ظهر، خان بیرون از خانه جای می‌نشیند که خمپاره در وسط حویلی پایین آمد و محمد هاشم، پدر شصت‌ساله‌اش، راز محمد، برادر بیست‌ودو ساله‌اش، زن بیست‌ساله‌اش و نازیه دختر چهار ساله‌اش را کشت. خان که بیهوش شده بود اما آقاریش به او گفته بود که چه اتفاقی افتاده است، گفت: «برای شش روز، ما در حویلی مانده بودیم و هیچ‌کسی ما را تخلیه نکرده بود». سرانجام، وقتی جنگ تا حدودی فروکش کرد، داوطلبان صلیب‌سرخ خان را به شفاخانه‌ی ایمرجنسی در لشکرگاه بردند و اجساد اعضای خانواده‌اش دفن شدند. او از ناحیه‌ی کمر فلج شد و با دو دختر و یک پسرش زنده ماند که بزرگترین آن‌ها ۷ ساله است. این روزها، آقاریش او را روی یک تخت روان حرکت می‌دهند.

خاطره، مادرش، که هنگام اصابت هاون دور از خانه بود و در مراسم خاکسپاری خواهرزاده‌اش که چند روز قبل در یک انفجار کشته بود، شرکت داشت، گفت: «ما از شکم، یا دوا یا یتیمان او مواظبت کرده نمی‌توانیم. او احساس می‌کند چون حالا معیوب است، محبت من نسبت به او تغییر کرده است. اما من هر آن‌چه که در توان دارم انجام می‌دهم - فقط نمی‌توانم برای او دوا فراهم کنم». اعضای باقی‌مانده‌ی این خانواده به مخروبه‌های یک اقامتگاه تاریخی در لشکرگاه تغییر مکان داده‌اند.

هرباری که جنگ در هلمند شدت می‌یابد - که پس از خروج نیروهای جنگی بین‌المللی یک اتفاق سالانه است - [این ولایت] به سرخط خبرها تبدیل می‌شود. گزارش‌ها به مردم

خان، حساب از دست

دادن عزیزترین‌هایش

را روی شانه‌ی راستش

خالکوبی کرده بود.

گران برادرش و

غلام‌سخی دوستش.

در مورد آخرین تلفات،

او به خالکوبی نیازی

ندارد. زخم‌ها و معیوب

بودنش برای یادآوری

کافی است.

یادآوری می‌کنند که سقوط چنین ولایتی استراتژیک، جایی که هزاران تن از نیروهای امریکایی و بریتانیایی سال‌ها جنگ‌های سختی را در آن تجربه کردند، برای طالبان یک دستاورد بسیار کلان خواهد بود. تولید گسترده‌ی تریاک در این منطقه که شورشیان همین حالا از آن بهره‌برداری می‌کنند، سوخت بیشتری برای ماشین جنگ آن‌ها فراهم خواهد کرد. آن‌چه عمدتاً اندازه گرفته نمی‌شود درد و رنجی بی‌پایانی است که پانزده سال جنگ دایمی بر مردم تحمیل کرده است. آمار گاهی [این‌گونه] بیرون داده می‌شوند - هزاران تن دیگر بیجا شدند، صدها زخمی به شفاخانه می‌رسند. اما این آمار نمی‌تواند هزینه‌ی واردآمده بر خانواده‌هایی را که برای همیشه تغییر کرده‌اند و به‌سختی از پس از دست دادن‌ها و هتک حرمت می‌برآیند، اندازه بگیرد.

رهبری جامعه‌ی هزاره حال و آینده



داکتر امان‌الله فصیحی

مثال برای اثبات این مدعا، وضعیت رهبرانی است که در گذشته دارای خصوصیت کاریزمایی بود، ولی با وارد شدن در اداره و حکومت این خصوصیت خود را از دست دادند. رئیس‌جمهور پیشین افغانستان در دو دور حکومت خود با وارد ساختن رهبران سنتی در اداره، خصوصیت کاریزمایی آن‌ها را سلب نموده و جایگاه آن‌ها را در میان مردم تنزل داد. انکشاف و توسعه همان‌گونه که ذکر شد، در ذات خود با کاریزماسازی مغایر است؛ چون اساس توسعه عقلانیت مدرن است.

باشد و در قدم دوم، افرادی وجود داشته باشند که درک دقیق از بحران داشته باشند و بتوانند برای رهایی از بحران طرحی را ارائه نمایند که از توان دیگران خارج باشد. این نوع رهبری البته که گسست در تاریخ ایجاد می‌نماید و تاریخ را متحول می‌سازد. اما رهبر عقلانی در شرایط عادی و معمولی براساس سازگارهای قانونی و عقلانی شکل می‌گیرد. رهبران کاریزمایی همان‌گونه که زایدی شرایط بحران هستند، در شرایط نرمال و مسلط شدن عقلانیت مخصوصاً عقلانیت ابزاری در زندگی انسان از میان می‌رود. همان‌گونه که بحران اجتماعی عامل ایجاد رهبری کاریزمایی است، نرمال شدن وضعیت اجتماعی، عامل زوال رهبری کاریزمایی است. همین‌طور، وارد شدن رهبران کاریزمایی در اداره و فعالیت‌های اقتصادی سبب می‌شود که خصلت کاریزمایی خود را از دست بدهند. اما اقبال و عدم اقبال مردم از رهبران عقلانی تابع توانمندی آن‌ها در پاسخ دادن به نیازهای حاکم بر زندگی روزمره مردم، تجربه و تخصص وی است نه تابع برخورداری از خصوصیات و رای عادت‌ی که در رهبری کاریزمایی وجود دارد. رهبران عقلانی تابع سازگارهای قانونی است که خود تدوین نموده‌اند. در این‌جا کسی به رهبری می‌رسد که بتواند بیشترین نیازهای حاکم بر زندگی روزمره مردم را با کم‌ترین هزینه تأمین نماید. جامعه‌ی هزاره در گذشته غالباً رهبران کاریزمایی را تجربه نموده است. دلیل این امر هم شرایط حاکم بر آن‌ها بوده است؛ پیروی از روحانیون، سادات، ریش‌سفیدان و امثال آن نمونه‌های رهبری کاریزمایی است؛ چون آن‌ها حامل خصوصیات رهبری کاریزمایی پیشوایان دین بوده‌اند. علاوه بر آن شرایط بحرانی افغانستان و هزاره‌ها زمینه‌ی بروز رهبران کاریزمایی را تقویت می‌نمود. اما پس از سقوط امارت طالبان وضعیت به‌گونه‌ی

سلطه، مشروعیت و بنیان رهبری یکی از مباحث اساسی در هر جامعه است. الگوی مشروعیت و سبک رهبری در هر جامعه تابع منطق عمل و ارزش‌های اجتماعی و منطق عمل یک جامعه است؛ چون ارزش‌های یک جامعه است که به رفتارها بالعموم و به پیروی از یک فرد، به‌صورت خاص معنا می‌بخشد. از این‌رو، تغییر در نظام ارزشی یک جامعه، باعث تغییر در رفتارها و بنیان‌های مشروعیت رهبران و گروه‌های مرجع سیاسی در یک جامعه می‌شود. بنابراین، در قدم نخست لازم است که انواع کنش انسانی بررسی شود تا به تبع آن بتوان از الگوهای رهبری صحبت نمود.

به‌صورت کلی، می‌توان از دو نوع منطق عمل یاد نمود. منطق عمل عقلانی و منطق عمل غیر عقلانی و التذادی. در منطق عمل عقلانی مبنای عمل سود و زیان و در منطق عمل غیر عقلانی و التذادی عواطف و احساسات است. متفکرانی چون دورکیم از این دو نوع منطق عمل تحت عنوان رابطه‌ی ابزاری و رابطه‌ی اظهاری، تونیس تحت عنوان اراده‌ی ذاتی و اراده‌ی عقلانی و ماکس وبر تحت عنوان کنش‌های عقلانی و غیر عقلانی تعبیر نموده‌اند. منتها وبر کنش غیر عقلانی را به سه قسم سنتی، عاطفی، و ارزشی، تحلیل کرده است که هر کدام در حوزه‌ی خاص اجتماعی کاربرد دارد. برای مثال در روابط اجتماعی، عواطف و سنت حاکم است، اما در عرصه‌ی علم، سیاست و اقتصاد، کنش عقلانی حاکم است. با توجه به سه نوع منطق عمل در اندیشه‌ی وبر، می‌توان از سه نوع الگوی رهبری در جامعه‌ی افغانستان بالعموم و جامعه هزاره به‌خصوص صحبت نمود؛ رهبری عقلانی، سنتی و کارزمایی. البته الگوی رهبری سنتی و کاریزمایی در حقیقت، نوع رهبری غیر عقلانی است. بنابراین، در این نوشتار الگوی رهبری به دو نوع عقلانی و غیر عقلانی با تأکید بر رهبری کاریزمایی بررسی می‌شود. قبل از همه لازم است که ویژگی‌هایی هر کدام از این دو نوع رهبری به اجمال تحلیل شود. در رهبری کاریزمایی، رهبر نه براساس تدبیر عقلانی و سازکارهای مدرن سیاست‌ورزی، بلکه از طریق برانگیختن احساسات و عواطف مردم، از روش‌های مختلف، جایگاه سیاسی خود را در میان گروه تثبیت می‌نماید. یعنی این نوع رهبری، بیش از آن‌که بر یقین علمی متکی و استوار باشد بر یقین روان‌شناختی، اقتناع روانی و متأثر ساختن حواس و احساسات انسان متکی است. در این الگو، رهبر افراد را به خود متمایل می‌سازد؛ چون حواس و احساسات دیگران را در اختیار خود درآورده است؛ از طریق انجام کارهای خلاف عادت و ورای عادت انسان‌ها را مجذوب و مرعوب خود می‌سازد. در این الگوی رهبری، بسیج مردم از طریق برانگیختن

شکل-گرفت که شرایط را برای شکل‌گیری رهبران کاریزمایی تنگ‌تر ساخت؛ در گام اول قانون اساسی و نظام سیاسی که در آن اکثر اقوام حضور حداقلی دارند، تاحدی بحران را کاهش داده است و همگان در تلاش‌اند که در داخل نظام وارد شوند و براساس سازگارهای قانونی برای رسیدن به اهداف خود تلاش نمایند. در شرایط موجود نه از محرومیت مطلق خبری است، نه از جنگ و جهاد، نه از مقاومت علیه طالبان و نه از نزاع‌های داخلی و تنظیمی و یک وضعیت نسبتاً آرامی در مقایسه با گذشته شکل‌گرفته است. هر آن‌چه را در گذشته اشخاص انجام می‌دادند امروزه به حکومت واگذار شده است و این حکومت است که عهده‌دار امور مردم است. در گام دوم سبک و الگوی زندگی مردم متفاوت شده است. در گذشته نیازها و ذائقه‌ی مردم با حال متفاوت بود. در گذشته به‌دلیل نبود وسایل ارتباطی، احساسات و عواطف مردم به‌عنوان اساس رهبری کاریزمایی متمرکز و به یک فرد معطوف بود؛ چنین فردی به‌طور طبیعی در مقام رهبری ارتقا می‌یافت؛ به بیان دیگر در جوامع بسته الگوی مرجع تمام افراد در تمام عرصه‌های کنش یک فرد بیشتر نبود و تفکیک نقشی وجود نداشت. اما در شرایط موجود به تبع تحولات نسلی، فرهنگی و اجتماعی که پیش آمده است، احساسات و عواطف ترمز خود را از دست داده و پخش شده است. آشنایی کنش‌گران اجتماعی با ستاره‌های سینما، قهرمانان ورزش، پیش‌آهنگان موسیقی، رهبران سیاسی دنیا، پیشگامان علمی و هنری سبب شده است که الگوهای مرجع افراد در عرصه‌های مختلف کنش متفاوت شوند و هر کسی از فرد مورد علاقه‌ی خاص خود در عرصه‌ی خاص تبعیت و پیروی نماید؛ در وضعیت موجود پیشوای دینی یک فرد با الگوی مرجع سیاسی او و با ستاره‌ی سینمای او کاملاً متفاوت است. در گام سوم و مهم‌تر از همه حرکت به سمت توسعه و پیشرفت در ذات خود با کاریزمای مغایرت دارد و کاریزمای عادی می‌سازد. یعنی تاریخ به سمت عرفی شدن و عادی شدن پیش می‌رود؛ هر اندازه که از تاریخ و هم‌زادایی و افسون‌زدایی صورت گیرد، به همان اندازه زمینه‌ی بروز رهبران کاریزمایی تضعیف می‌شود. چنان‌که دیگر جوامع همین فرایند را تجربه نموده‌اند. گام نهادن افغانستان در مسیر توسعه و انکشاف، به‌صورت خودکار بستر رهبری کاریزمایی را در کل جامعه‌ی افغانستان و به تبع جامعه‌ی هزاره از میان بر می‌دارد و این فلسفه‌ی تاریخ است؛ تاریخ به سمتی پیش می‌رود که عقلانیت ابزاری و کارکردی عرصه‌های مختلف زندگی بشر را در سیطره‌ی خود در می‌آورد و بشر در حوزه‌های مختلف بر مبنای خرد و عقلانیت کار می‌کند، این امر سبب می‌شود که دیگر جایی برای ظهور کاریزمای نماند. جامعه‌ی هزاره نیز از این فرایند مستثنی نیست و باید به تقدیر تاریخ تن دهد. اساساً منازعات اجتماعی که در آن رهبران کاریزمای ظهور می‌کند با منازعات و مسایل مولد رهبران عقلانی متفاوت است. از همین‌رو، منازعاتی که در عرصه‌ی سیاسی امروز جامعه‌ی هزاره هم وجود دارد، از سنخ منازعات دنیوی و این‌جایی است که راه‌حل‌های عقلانی و رهبری خرمندانه نیاز دارد تا رهبری کاریزمایی. حتا کسانی که در فضای موجود، داعیه‌دار به‌دست گرفتن رهبری هستند، هدف نهایی آن‌ها، پانهادن به قدرت و وارد شدن در اداره‌ی موجود و نظام سیاسی حاکم و خدمت به مردم از طریق سازکارهای قانونی و عقلانی است. در حالی که اداره در ذات خود مغایر با رهبری کاریزمایی است؛ چون اداره تجلی عینی عقلانیت است. بهترین مثال برای اثبات این مدعا، وضعیت رهبرانی است که در گذشته دارای خصوصیت کاریزمایی بود، ولی با وارد شدن در اداره و حکومت این خصوصیت خود را از دست دادند. رئیس‌جمهور پیشین افغانستان در دو دور حکومت خود با وارد ساختن رهبران سنتی در اداره، خصوصیت کاریزمایی آن‌ها را سلب نموده و جایگاه آن‌ها را در میان مردم تنزل داد. انکشاف و توسعه همان‌گونه که ذکر شد، در ذات خود با کاریزماسازی مغایر است؛ چون اساس توسعه عقلانیت مدرن است. علاوه بر آن در کنش مدعیان رهبری جدید نیز یک پارادوکس نهفته است؛ امروز کسانی مدعی عهده‌دار شدن رهبری هزاره هستند که از سوی خودشان مدعی عبور دادن جامعه از وضعیت سنتی به مدرن و داعیه‌دار مطالبات مدرن و عقلانی هستند و از سوی دیگر مطالبات خود را از طریق کسب کاریزمای دنبال می‌نمایند؛ کوشش می‌کنند که رهبران کاریزمایی شوند. این وضعیت یک وضعیت متناقض و پارادوکسیکال است. با توجه به شرایط پیش‌آمده در فضای کلی افغانستان و با توجه به تحول نسلی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که در حال تجربه کردن آن هستیم رهبران جامعه‌ی هزاره دو راه بیشتر در پیش ندارند؛ یا شرایط را ثابت نگاهدارند یا این‌که خود را مطابق با شرایط عبار سازند. راه نخست نه ممکن است و نه مطلوب؛ پس رمز بقا در این است که رهبران خود را مطابق با شرایط جدید سازگار سازند و برای تثبیت موقعیت خود الگوی رهبری عقلانی و سازکارهای مرتبط با آن را در پیش گیرند. رهبری مانند علم می‌ماند؛ همان‌گونه که بقای یک علم در گرو توانمندی آن در حل مسایل مرتبط است، بقا و تداوم رهبری نیز در گرو این است که بتواند مسایل پیش‌رو را حل نماید و برای آن پاسخ فراهم نماید. چون مسایل امروز ما تغییر نموده و شرایط نو خلق شده است؛ کسی رهبر خواهد ماند که با شرایط سازگار شود و خود را با آن عیار نماید.

زبان - تصویر - معنا

عمران راتب



سخن سخیدهاتاف

چنین گفت آن ماه

در قریه‌ی ما مردی زنده‌گی می‌کرد که نمونه‌ی کاملی از شرافت و بزرگی بود. سواد نداشت اما مبارز نستوهی بود. یک شب ماموران حکومت آمدند و او را با خود بردند. او در زیر شکنجه‌ی دژخیمان حکومت بینایی خود را از دست داد اما گفت:

«به قول اسپینوزا چشم دریچه‌ی استدراک استعلایی است اما بینش خود نور هستی است بی‌واسطه‌ی اسطرلاب»

او در آخرین لحظه‌ی زنده‌گی خود، وقتی که در زیر شلاق جان می‌داد، گفت:

«شما می‌توانید مرا بکشید، اما این را در پراوتز عرض کنم که نمی‌توانید مسیر تکاملی تاریخ را ببندید و در برابر دینامیسم توقف‌ناپذیر حرکت جامعه به سوی توسعه‌ی سیاسی و دادگری مانع ایجاد کنید. من، چنان که بارها در زیر شکنجه خدمت‌تان گفته‌ام، اعتقادی به هگل ندارم؛ اما عمیقاً معتقدم که روح تاریخ از ما می‌طلبد که... آخ! آخ!»

روحش شاد و یادش گرامی باد. بعد از رفتن او، عده‌یی که دایما سر در آخور استبداد دارند گفتند که این سخنان او در لحظه‌ی مرگ را چه‌کسی ثبت کرده. این خفاشان نمی‌دانند که سخنان آن شیرمرد تاریخ بالاخره ثبت شده‌اند؟ دیگر. حتما ما باید بفهمیم که چه‌گونه ثبت شده‌اند؟ عده‌یی دیگر که به‌خاطر چند روز رفتن به دانشگاه گمان می‌کنند که سواد داشتن همین خواندن و نوشتن است، پیوسته سوال می‌کنند که آن مرحوم که سواد نداشت چه‌گونه سخنانی به آن طراوت و شادابی را تالیف کرده و درست در زیر شکنجه‌ی دژخیمان و در لحظه‌های آخر حیات خود به تاریخ سپرده؟ در پاسخ به این ناجوانمردان باید گفت، هرچند که ارزش پاسخ دادن را ندارند، که انسان‌های بزرگ در میانه‌ی دشواری‌ها بر موانع غلبه می‌کنند و از امتحان تاریخ روسفید بیرون می‌آیند. آیا ناجوانمردی نیست که ما با وجود آن همه ایتار که او از خود نشان داد قبول کنیم که آن حرف‌ها را هم زده است؟ آیا امکان ندارد که او در طول سال‌هایی که در زندان بود و شب و روز در زیر شکنجه‌ی سفاکان کباب می‌شد کتاب‌های اسپینوزا و هایدگر را خوانده باشد و این‌طور چیز بگردد؟ ما باید شک و تردید را در مورد قهرمانان خود کنار بگذاریم و باور کنیم که این دیار مردخیز تا دنیا دنیاست خورشید می‌زاید.

یک: هر اتفاق زبانی را می‌توان یک اتصال و برهم‌کنشی خواند. اما بلافاصله باید اضافه کرد که: یک اتصال درون‌ماندگار. یعنی اتفاق زبانی را می‌توان آن بخشی از رویارویی انسان با جهان دانست که زبان در آن هم سوژه است و هم ابژه، و در هر حالت «اما با امکان‌هایی که زبان در اختیارمان می‌گذارد، کار می‌کنیم» (بابک احمدی، هایدگر و تاریخ هستی: ۳۱).. این فرض، ناگزیر ما را متوجه امر دیگری می‌کند: این که معنا خود یک اتفاق یا حادثه‌ی زبانی است، نمی‌تواند ناقص این انگاره باشد که زبان در عرصه‌ی مواجهه با جهان و خلق معنا، خودبستگی ندارد و با اتفاق زبانی در حالت انتزاعی و بدون ارجاع به امر فرازبانی، واجد هیچ اهمیت خاصی نیست. ما هیچ معنایی از پیش موجود و ثابت در جهان نداریم. جهان در واقع غول منجمد و فاقد احساسی است که قبض و بسط روابط و حالات انسان‌ها در درون آن، هیچ تأثیری بر چگونگی احوال آن غول ندارد. به‌بیان ساده‌تر: جهان یک کمیت صرف و سخت و فاقد کیفیت است. بنابراین، چنین جهانی، به‌ماهو و یا هم به‌صورت پیشینی، فاقد هر نوع معنایی است. اما ما چیزهایی در جهان می‌بینیم که زمانی که درگیر با زبان می‌شویم، معنایند می‌گردند: آن کمیت سخت چیزها، در زبان دارای کیفیت، انعطاف‌پذیری و کاربردی می‌شود و در واقع مورد شناسایی قرار می‌گیرد. زبان در این تعبیر به‌قول هایدگر «موقعیت آشکارگی» چیزها می‌گردد و در فرایند این کشف و آشکارگی است که مفهومی به‌نام «معنا» پدید می‌آید. معنا از این منظر به‌اعتباری، یعنی رام شدن امر واقع در دست زبان.

بیان دیگر این امر، چنین است: در زبان می‌توان همواره از نشانه‌ها سخن گفت؛ نشانه‌هایی که در حالت مطلق یا قیام بر خود، متضمن معنا و ارزشی نیستند، اما با دچار شدنشان در زبان، حالت پیدا می‌کنند؛ حالتی که نشان‌دهنده‌ی موقعیت آن‌هاست. این حالت را می‌توان معنا نامید. از این رو، معنا را یک امر انضمامی نیز می‌توان خواند. به این دلیل که نشانه‌ها، یعنی وجه پدیداری امور واقع و امکان اتصال آن امور با غیر از خود، چیزی است که در خارج از زبان قرار دارد، انتزاعی و مطلق. اما ایجاد اتصال میان آن نشانه‌ها و زبان، منجر به خلق معنایی می‌شود که از یک‌سمت، می‌توان آن را از کارکردهای صرف زبان خواند و از سوی دیگر، تأثیرش بالای امر واقع، آن را از انتزاعیتش خارج ساخته و تبدیل به امری انضمامی می‌کند. اما نباید غافل ماند از این‌که، معنا در این حالت، همیشه در بینابین قرار دارد؛ بنیادش و جایگاهش در زبان است و رُخ تأثیرش به خارج از زبان.

با چنین فهم و خوانشی از معنا، در نگاه نخست ما دچار یک تناقض در نتیجه‌گیری خود می‌شویم: معنا به‌مثابه

یک اتفاق یا جعل زبانی (مستقل از ملول و متعلق و ارجاع به امر واقع و فرازبانی) و معنا در مقام یک امر انضمامی و وابسته. اما دقت در مسأله یا نگاه از زاویه‌ی دیگر به آن، این تناقض‌نما را برطرف می‌کند. به‌لحاظ این‌که، وقتی می‌گوییم زبان خودبسته نیست، پیشاپیش این شرط را مفروض گرفته‌ایم که پس زبان به‌خاطر خلق معنا، و یا معنا به‌خاطر این‌که واجد هستی شود، به یک پدیده یا چیزی غیر زبانی نیاز دارد. به تعبیر دیگر: زبان دارای امکان یا استعدادی است که آن را لاجرم باید بر یک چیز غیر زبانی ظاهر سازد. ما می‌توانیم این چیز را وجه دلالت‌گری امر واقع یا تصویر هم بنامیم. اتفاق افتادن تصویر در زبان و درگیر شدن زبان با آن تصویر، به یک برهم‌کنشی می‌انجامد که نتیجه‌ی آن ایجاد معنا می‌شود. بر این مبنا، می‌بینیم که آن تناقض‌نما دیگر وجود ندارد. زیرا اگر زبان را در خلق معنا خودبسته بدانیم، آن‌وقت برای معنا هیچ تصویر یا مصداق فرازبانی پیدا نخواهیم کرد و معنا در زبان به‌گونه‌یی محصور می‌ماند که قابلیت و امکان ظهور را نمی‌یابد. چنین معنایی شباهت به یک وهم یا هذیان صرف دارد که هرازگاهی انسان در قبض و بسط‌های وجودی دچار آن نیز می‌شود. به همین ترتیب اگر وجود معنا را مستقل از کنش زبانی فرض کنیم نیز آن را به امر مطلق فروکاست داده‌ایم که نقش زبان و انسان در آن نادیده گرفته می‌شود. حال آن‌که این انگاره با حقیقت معنا صدق نمی‌کند. معنا بر ساخته‌ی انسان، انسان زبان‌مند است.

در هر امر معناداری، می‌توان به تبارشناسی یا وجه معناداشگی آن امر، یعنی امکان اتصالش در زبان، پرداخت. در این پرداخت ما خواهیم دید که زبان در ذات خود از نشانه‌ها تشکیل شده؛ نشانه‌هایی که اغلب پراکنده، نامنسجم و بی‌ربط‌اند. اما هر یک از این نشانه‌ها به‌نوبه‌ی خود از یکسری عناصر غیر زبانی جدایی‌ناپذیراند؛ عناصری که به‌تعبیر ژیل دلوز، می‌تواند «حالت چیزها» یا «تصاویر» خوانده شوند. اتصال تصاویر با نشانه‌ها، نشانه‌ها را از پراکندگی بیرون می‌کند و به آن‌ها انسجام و حالت می‌بخشد. همین اتصال و سمت‌وسو یافتن نشانه را و باری را که نشانه در یک اتصال و اتفاق زبانی کسب می‌کند، می‌توان «معنا» خواند. در این تبیین، ما با دو مسأله‌ی

معنا یک برساخته‌ی زبانی است، اما وابسته‌ی مطلق به زبان نیست. امور واقع که خود عناصر غیر زبانی‌اند، در خلق معنا نقش دارند... رابطه‌ی دال با مدلول در متن از همین جا ایجاد می‌شود. اما با تمام این‌ها و باور کامل به نکات بالا، هنوز می‌توان این پرسش را نادیده نگرفت: آیا، معنا بر اثر برخورد مکرر انسان با عناصر غیر زبانی و متأثر از این برخورد و رابطه و تعاملی که شکل گرفته، خود یک تداعی ذهنی و لذا یک حالت روانی نمی‌تواند بود، آن چنان که محض نمونه، دیوید هیوم اصل علیت را از این سنخ می‌دانست؟ و یا حقیقت این است که انسان معرفت زبانی نظام‌مندی را که از تجربه‌ی زیستن در یک نظام معنایی کسب کرده، بر عناصر غیر زبانی تحمیل می‌کند و آن را معنا می‌خواند، همچون «مقولات» در فلسفه کانت؟... در هر حالت، تغییری در این اصل این مسأله به‌وجود نخواهد آمد که معنا امری است که در زبان رخ می‌دهد.

متفاوت برخوردیم: نشانه‌های فرازبانی که آن را به تصویر تحویل دادیم و از آن منحیت امکانی یاد کردیم که زبان معنایش را به‌واسطه‌ی آن بر ما ظاهر می‌سازد و نشانه‌های زبانی که در نفس خود چیزی را بیان نمی‌کنند و به‌شدت پراکنده و چهل‌تکه‌اند، اما در تعامل با امر واقع فرازبانی، دارای انسجام و بار ارزشی می‌گردند. منظور ما از به‌کار بستن مفهوم «برهم‌کنشی» چنین یک چیزی است. هرچند نمی‌توان انکار کرد که نتیجه‌ی این تحلیل تا حد زیادی غرض خودش را نقض می‌کند؛ به این دلیل که در برهم‌کنشی، معنا تبدیل به امری همیشه معلق در میان امور واقع و زبان می‌شود که با اصل زبانی بودن معنا ظاهراً در تضاد قرار می‌گیرد.

دو: رابطه‌ی انسان با متن و معنای متن را نیز از همین جا می‌شود درک کرد. آن چیزی که قبل از مواجهه‌ی خواننده با متن در درون متن وجود دارد، نه معنا یا دانایی انتزاعی نهفته در متن، بلکه مجموعه‌یی از نشانه‌هاست. خواننده به‌واسطه‌ی آن نشانه‌ها و تجربه‌های زبانی زیسته، به متن معنا می‌بخشد. نتیجه‌ی که از این بیان می‌توان به دست آورد، اعترافی است به صدق دستاورد مهم هرمنوتیک مدرن: معنا در نزد خواننده است نه متن و یا مؤلف. نیز از همین جا هم هست که ناگهان خود را با آن تعبیر گادامر هم‌سو می‌یابیم: «هر متن به تعداد خواننده‌هایش، معنای متفاوت دارد.» این بدان مفهوم نیست که عامل معناداری متن لایه به‌گونه‌ی مطلق مستقل از خود متن است یا بر این مبنا یک نوع بی‌نظمی و آشفتگی را برای متن قایل شویم. علی‌القاعده از آن‌جایی که معنای متن وابسته به خواننده است، و این معنا از یک خواننده تا خواننده‌ی دیگر متفاوت است، سبب می‌شود تا ما متن و معنا را نظام‌مند درک کنیم؛ نظام‌مند به این مفهوم که متن نسبت به هریک از مخاطبانش، ساختارپذیر است و همیشه

تن به خوانش‌هایی می‌دهد که مخاطبان گوناگون از آن دارند. می‌شود این را نظم‌پذیری در کمال بی‌نظمی هم خواند. تجربه‌های زبانی در هر شخص، متعلق به یک نظام معنایی است که شخص در آن زیسته است. معنای این سخن این است که، محض نمونه، ما می‌گوییم پنجاه نفر مخاطب اگر با متن واحدی مواجه شوند، نتیجه‌ی مواجهه‌ی آن‌ها پنجاه قرائت و خوانش متفاوت از آن متن خواهد بود؛ از این رو به‌تعبیر هایدگر، متن با توجه به تجربه‌های زبانی هر خواننده، در حالت‌های مختلف خود را بر او «آشکار» می‌سازد و دچار معنا می‌شود. اما این‌گونه نیست که این پنجاه مخاطب، کاملاً به‌صورت آزادانه و دلخواهانه برای آن متن معنا بترانند. معنایی که در نزد مخاطبان گوناگون با خوانش از متنی به‌وجود می‌آید، اغلب تأثیرپذیرفته از عواملی‌اند که آن مخاطبان به‌صورت فردی در ایجاد آن عوامل نقش ندارند. از جمله‌ی این عوامل می‌توان به کلیت منطق فهم متن در درون یک نظام معنایی، سنت‌ها، پیش‌فرض‌ها، پیش‌پنداشت‌ها و تجربیات و انتظارات اشاره کرد (گادامر). معنایی که در فرایند مواجهه‌ی مخاطب با متنی شکل می‌گیرد، نمی‌تواند فارغ از این عوامل شکل بگیرد. اما نظام‌های معنایی یا به زبان ویگنشتاینی «نحوی زیست در بازی زبانی» در میان انسان‌ها مختلف و متن‌گرا: فلسفه، ادبیات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، دین و... هر یک از این نظام‌ها جدا از این‌که بر چه موضوعاتی متمرکزند، یک تجربه‌ی زبانی مختص به خود را در انسان پدید می‌آورند و نباید فراموش کرد که این نظام‌های معنایی در نزد انسان‌ها دچار شدت و ضعف‌اند. یعنی خوانش و تلقی انسان‌ها از این نظام‌های معنایی یک‌سان نیست و آن‌ها را در مراتب گوناگون و با کیفیت‌های متفاوت درک می‌کنند، و سپس با تجربه‌ی که از زیستن در یک نظام معنایی کسب کرده و تأثیری که از آن پذیرفته است، به یک تجربه‌ی زبانی نظام‌مند دست می‌یابد. و با همین تجربه‌ی زبانی -که خود برسازنده‌ی معرفت و کادر ذهنی و چارچوب پیش‌فرض‌های شخص است- با متن رویه‌رو می‌شود و از رهگذر این رویارویی و به‌واسطه‌ی تجربه‌ی زبانی زیسته، او به متن معنا می‌دهد و یا بنا بر تصور خودش، معنا را از درون متن استخراج می‌کند. بنابراین، معنا یک اتفاق ناگهانی و زودگذر هم نیست.

نتیجه این‌که، معنا یک برساخته‌ی زبانی است، اما وابسته‌ی مطلق به زبان نیست. امور واقع که خود عناصر غیر زبانی‌اند، در خلق معنا نقش دارند... رابطه‌ی دال با مدلول در متن از همین‌جا ایجاد می‌شود. اما با تمام این‌ها و باور کامل به نکات بالا، هنوز می‌توان این پرسش را نادیده نگرفت: آیا، معنا بر اثر برخورد مکرر انسان با عناصر غیر زبانی و متأثر از این برخورد و رابطه و تعاملی که شکل گرفته، خود یک تداعی ذهنی و لذا یک حالت روانی نمی‌تواند بود، آن‌چنان‌که محض نمونه، دیوید هیوم اصل علیت را از این سنخ می‌دانست؟ و یا حقیقت این است که انسان معرفت زبانی نظام‌مندی را که از تجربه‌ی زیستن در یک نظام معنایی کسب کرده، بر عناصر غیر زبانی تحمیل می‌کند و آن را معنا می‌خواند، همچون «مقولات» در فلسفه کانت؟... در هر حالت، تغییری در این اصل این مسأله به‌وجود نخواهد آمد که معنا امری است که در زبان رخ می‌دهد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتهای		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
 معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
 سردبیر: جواد ناجی
 دبیر خبر: عصمت الله سروش
 گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
 ویراستار: عمران راتب
 صفحه آرا: هادی دریابی
 بازاریارب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
 ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
 آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
 شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶
 مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲
 چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

رییس جمهور ترکیه: عامل انفجار در مراسم عروسی کودک ۱۲ یا ۱۴ ساله بوده است

عشیره‌ی بزرگ کُرد بوده و بیشتر کشته‌شدگان از اعضای همین خانواده‌اند. هنوز عاملان انفجار مشخص نیست اما تا کنون گزارش‌های بسیاری درباره‌ی فعالیت داعش در شهرهای مرزی ترکیه وجود داشته و مقام‌های امنیتی شهر هم احتمال می‌دهند این گروه در پس این انفجار باشد. این انفجار درحالی در یک منطقه‌ی کردنشین رخ می‌دهد که اخیراً شبه‌نظامیان گروه داعش از نیروهای کرد در شهر منبج سوریه شکست خوردند. تعداد قابل توجهی از اقلیت قومی کرد در شهر غازی عینتاب ساکن هستند.

آناتولی ترکیه گفته است که این حمله تروریستی در آق‌دره، در منطقه‌ی شاهین‌بی این شهر رخ داده است؛ شهر غازی عینتاب حدود ۶۰ کیلومتر تا مرز ترکیه با سوریه فاصله دارد. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، ساعتی پس از وقوع این حادثه رییس‌جمهور ترکیه در سخنانی احتمال داد که گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) عامل اصلی حمله باشد هر چند او گفته از این نظر میان نیروهای داعش، حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) و طرفداران فتح‌الله گولن تفاوتی وجود ندارد. مقام‌های امنیتی گفته‌اند این عروسی در یک

اطلاعات روز: رییس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان به روز شنبه در استانبول گفته است که عامل انفجار شنبه‌شب، ۳۱ اسد، در یک مراسم عروسی کودک ۱۲ یا ۱۴ ساله بوده است. این انفجار در یک مراسم عروسی در شهر غازی عینتاب ترکیه رخ داد که در آن دست‌کم ۵۰ نفر کشته شده و ۹۰ نفر نیز در این انفجار زخمی شده‌اند. مقام‌های دولتی ترکیه گفته بودند که احتمالاً یک بمبگذار انتحاری عامل این حمله‌ی تروریستی بوده است. علی یرلی قایا، والی غازی عینتاب به خبرگزاری



Reza Farzam

آیا خدا افغانستان را از یاد برده است؟
این دوره‌ی آموزشی چهار ماهه در حوزه‌ی اقتصاد معدن اختصاص یافته بود. در این مدت بر علاوه‌ی بحث‌های تیوریک در اقتصاد معدن، تمرکز اصلی من بالای تیوری «نفرین منابع» بود. این‌که چگونه و چرا منابع طبیعی در اکثریت کشورهای در حال توسعه تأثیر منفی بالای رشد اقتصادی دارد، عامل بازدارنده در جهت تقویت دموکراسی است و در مواردی به منازعه و حتا جنگ داخلی منجر می‌شود.

در این زمینه تجربه‌ی ۲۰ کشور غنی از منابع طبیعی را بررسی کردم. یکی از این کشورها سیرالیون بود؛ کشور غنی از معدن الماس که بعدها به «الماس منازعه» یا «الماس خونین» معروف شد. الماس این کشور مهم‌ترین پشتوانه برای تداوم منازعه و جنگ داخلی بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ بود. جنگ داخلی که توسط عواید سرشار الماس حمایت می‌شد، نزدیک به ۷۵۰۰۰ کشته، ۲۰۰۰۰ معلول و ۲ میلیون آواره به جا گذاشت.

در این راستا فیلمی را دیدم به نام «الماس خونین» با بازی لیوناردو دی کاپریو که در سال ۲۰۰۶ از طرف هالیوود ساخته شده است. این فیلم روایت دردناک جنگ داخلی سیرالیون، نقش الماس در جنگ و شبکه‌های بزرگ و پیچیده قاچاق الماس که به لندن و کشورهای اروپایی می‌رسید را به تصویر کشیده است. در کنار حرف و حدیث‌های فراوان این فیلم، کاپریو در یک بخش از فیلم می‌گوید «خدا از خیلی وقت پیش آفرینا را از یاد برده است». این حرف برایم جالب بود و گاهی از خود می‌پرسم آیا خدا افغانستان را هم از یاد برده است؟



دستگیر روشنیالی

حق، آزادی او برابری له فرد سره تړلي مفهومونه دي او دا دري يوازي د فرد په شاوخوا اهميت پيدا کوي. بي له فرد به د حق، آزادي او برابري معنا څه وي؟ حق په دي مفهوم چي فرد ته حقوقو د هيچا له خوا په سوغات نه ورکول کېږي. فرد د خپل انسانتوب په اساس نه ورکېدونکي حقونه لري. د دولت او قانون دنده د فرد ددي حقوقو ساتنه دی.

آزادي په دي مفهوم چي فرد د خپلواک فکر او آزادي ارادي خواند دی چي په ځان، په خپل ژوند او په خپله راتلونکي واکمن وی. برابري په دي مفهوم چي فرد په ټولنه کي يوازي ژوند نه کوي او د هر څه کولو آزادي هم نلري. په ټولنه کي د فرد آزادي يوازي د نورو آزادي ته په درناوی کولو او له هغوي سره په برابري کي په واقعيت بدلېږي.



جليل بهفر

شاعر گفته بود گر حکم شود که مست گیرند / در شهر هر آنچه هست گیرند
بر فرض حبیب‌الله کلکانی دزد بود، قبول! این شهر چه شهری است، این کدام قاضی و این حکم چه حکمی است که یک دزد مستوجب نفرین و عذاب دانسته می‌شود، تا آن‌جا که حق داشتن گور ازش گرفته می‌شود و از دزد دیگر بزرگ‌داشت و به‌خاطرش جشن برپا می‌کنند؟
همین امان‌الله خانی که حکومت برایش با خرج میلیون‌ها دالر چند روز پیش جشن گرفت، بیت‌المال را چور کرده است.
در صفحه‌ی ۶۳۳ افغانستان در پنج قرن اخیر، اثر محمد صدیق فرهنگ آمده: «در هنگام عبور از سرحد [هنگام فرار از افغانستان] کف دو موتر یکی تیزرفتار که امان‌الله خان خود در آن‌جا داشت و دیگری اتوبوس حامل زنان و اطفال از خریطه‌های پول، طلا و نقره پوشیده بود.
آیا امان‌الله خان آن‌همه پول و جواهر را از آبله‌ی دست خودش به‌دست آورده بود؟
آیا خارج ساختن آن‌همه پول و دارایی یک جنایت و دزدی نیست؟
امان‌الله خان آن‌همه پول را کجا برد؟ به کی تسلیم کرد؟ به هند بریتانیایی یا تا آخر عمر مصرف عیاشی‌اش کرد؟
کسی است این سوالات را پاسخ بگوید؟



Anusrat Eltaf

جنگ قندوز و بغلان، جنگ ارگ و سپیدار است. همان‌گونه که گروه‌های ترورستی در سطح جهان، وسیله برای اهداف قدرت‌های بزرگ است، گروه‌های وحشی و ترورستی طالب و داعش در افغانستان نیز در ضمن وسیله برای قدرت‌های بزرگ جهان و منطقه، وسیله برای کسب قدرت و ثروت زمام‌داران فاسد این سر زمین نیز، است. بعد از سقوط امارت طالبان تا حال، گروه ترورستی طالبان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اهرم فشار برای حفظ قدرت قبيله بوده و گرداننده‌گان این سناریو به‌خوبی توانسته به نفع‌شان بازی کنند.
تیم ارگ با راه انداختن جنگ هلمند، قندوز و بغلان دو هدف دارند: یکم: کنفرانس بروکسل نزدیک است و می‌خواهند افکار جامعه‌ی جهانی را از فساد و بی‌عدالتی به انحراف بکشانند و در ضمن کمک بیشتر به‌دست آورند.

دوم: ماه‌هاست که ارگ تحت فشار شدید روانی از سوی جنبش روشنیایی برای انکشاف متوازن، تحقق عدالت و انسانی ساختن زنده‌گی، قرار گرفته و شورش تیم سپیدار هم بر آن اضافه گردید. بناً با راه انداختن جنگ قندوز، هلمند و بغلان تیم حاکم قصد دارد که صدای حق‌طلبانه‌ی جنبش روشنیایی را تحت شعاع قرار دهد و در ضمن به سپیدارنشین‌ها بفهماند که متوجه دامن‌های خویش باشید که آتش نگیرد.
گرچند که جنگ قندوز و بغلان در خانه‌ها و قریه‌های قوم پشتون است اما ولایت‌های شمال‌شرقی تاجیک‌نشین از جنگ قندوز و بغلان از نظر اقتصادی، اجتماعی و انسانی متحمل خسارات سنگین می‌شوند و در نتیجه افکار عامه‌ی تاجیک‌ها علیه رهبران‌شان تحریک شده و آن‌ها را مجبور می‌سازند که در قدم اول به فرونشاندن جنگ تلاش کنند. بعد اگر وقت ماند برای چوکی و ثروت شخصی، با ارگ برزمند.

۳۶ عضو گروه داعش به جرم شرکت در کشتار پایگاه نظامی اسپایکر اعدام شدند

قاضی گفتند که اعترافات پیشین آن‌ها زیر شکنجه گرفته شده است.
در همین حال برخی از گروه‌های حقوق بشری از روند این محاکمه انتقاد کرده‌اند.
کشته شدن ۱۵۰ داعشی در جزیره‌ی خالدیه
در یک خبر دیگر، در ادامه‌ی پاکسازی جزیره‌ی خالدیه در ۲۳ کیلومتری شرق رمادی، مرکز انبوا، دست‌کم ۱۵۶ داعشی کشته شده‌اند. پایگاه خبری شفق نیوز عراق گزارش داده است که نیروهای پولیس با حمایت توپ‌خانه‌یی و پوشش هوایی جنگنده‌های عراقی طی پاکسازی محورهای ابو کنعان و السده در جزیره‌ی خالدیه ۱۵۰ داعشی کشته‌اند. در پاکسازی مزارع و باغات منطقه‌ی خالدیه نیز نیروهای عراقی ۶ عضو داعش را کشته‌اند و سه تونل این گروه تروریستی را منهدم کرده‌اند.

به نقل از بی‌بی‌سی، این متهمان در جریان عملیات بازپس‌گیری تکریت در سال ۲۰۱۵ دستگیر شدند. براساس عکس‌ها و ویدیوهایی که گروه داعش قبل از حمله به پایگاه نظامی «اسپایکر» منتشر کرد سربازان عراقی با لاری‌ها به مناطقی مختلف انتقال می‌یافتند و پس از درازکشیدن بر روی زمین با تیر خلاص اعدام می‌شدند.
بعضی از اجساد قربانیان این واقعه به رود دجله انداخته شدند و باقی آن‌ها در دست‌کم ۱۲ گور جمعی دفن شدند.
به گفته‌ی سخن‌گوی شورای عالی قضایی عراق حدود ۶۰۰ مظنون دیگر که در این کشتار دست داشته‌اند همچنان متواری هستند. ۷۷ تن از متهمان کشتار پایگاه اسپایکر شهروندان عراقی هستند. در ماه فبروری، بعضی از متهمان، مشارکت در کشتار پایگاه نظامی اسپایکر را رد کردند و برخی دیگر به

اطلاعات روز: دولت عراق ۳۶ نفر را به اتهام دست داشتن در کشتار پایگاه اسپایکر، در زندان نصیریه در جنوب عراق به دار آویخته است.
سال ۲۰۱۴ در جریان پیشروی نیروهای داعش در عراق، این اعدام‌شدگان حدود ۱۷۰۰ نیروی نظامی را در یک اردوگاه نظامی به قتل رساندند. پس از آن داعش تصاویر تکان‌دهنده‌یی از جریان کشتار «کمپ اسپایکر» منتشر کرد.
بیشتر کشته‌شده‌ها در این کمپ سربازان شیعه بودند و کشتار آنان باعث خشم و بسیج شبه‌نظامیان شیعه برای جنگ علیه داعش شد.
در ماه فبروری ۲۰۱۶ دادگاهی در عراق ۴۰ نفر از متهمان پرونده پایگاه نظامی اسپایکر را مقصر شناخت و تحت قوانین ضد تروریستی این کشور آن‌ها را به اعدام محکوم کرد. هفت تن از متهمان به‌دلیل نبود مدارک کافی آزاد شدند.

رییس جمهور فیلیپین به سازمان ملل: نمی‌خواهم توهین کنم اما شاید تصمیم به خروج از سازمان ملل بگیریم

دارد.
یکی از اهالی مانیل در حمایت از رییس‌جمهور فیلیپین می‌گوید: «تعداد معتادها کمتر شده. او واقعا خوب است. دوترته خوب کار می‌کند و به درد کشورمان می‌خورد.»
لیلا دلیمبا، نماینده‌ی سنای فیلیپین می‌گوید: «در تمام ارکان دولت ناهماهنگی وجود دارد، مجریان قانون، دادستان‌ها و قضات. به همین دلیل نظام قضایی درهم شکسته است و به همین دلیل از کارهای این‌چنینی استقبال می‌شود.»
به گفته‌ی کارشناسان سازمان ملل رییس‌جمهور فیلیپین به پولیس اختیار کامل داده تا به سمت مظنونان به فروش و قاچاق مواد مخدر به‌صورت مستقیم تیراندازی کند و این افراد بدون محاکمه به ضرب گلوله پولیس از پا می‌آیند.

بشر ملل متحد گفته بودند که شیوه‌ی نظارتی آقای دوترته در مورد کشتن مظنونان به قاچاق مواد مخدر باعث افزایش خشونت‌ها، کشتار و ارتکاب جرم تحت قوانین بین‌المللی شده است. آقای دوترته اما گفته است که سازمان ملل تاکنون نتوانسته در مقابله با تروریسم و پایان دادن به کشتار غیرنظامیان در عراق و سوریه موفق باشید.
او گفته درصورت خروج از سازمان ملل احتمالاً از چین و کشورهای آفریقایی خواهد خواست تا مجمع دیگری تشکیل بدهند
به نقل از یورونیوز، با این‌که خشونت دولت فیلیپین در برابر قاچاقچیان مواد مخدر به شدت مورد انتقاد سازمان‌های حقوق بشری قرار گرفته اما در داخل کشور این سیاست طرفدارانی هم

اطلاعات روز: پس از انتقاد سازمان ملل متحد مبنی بر رفتار خشن پولیس فیلیپین و نقض حقوق بشر در مواجهه با قاچاقچیان و فروشندگان مواد مخدر، رودریگو دوترته، رییس‌جمهور فیلیپین هشدار می‌دهد که کشورش را از سازمان ملل متحد خارج می‌کند.
در گزارش سازمان ملل آمده است که از زمان انتخاب آقای دوترته به ریاست‌جمهوری، در طول کمتر از سه ماه، پولیس فیلیپین نزدیک به ۹۰۰ مظنون به قاچاق و معامله‌ی مواد مخدر را کشته است.
رییس‌جمهور فیلیپین در واکنش به این انتقادات گفت: «من نمی‌خواهم به شما توهین کنم اما شاید تصمیم بگیریم از سازمان ملل جدا شویم.»
هفته‌ی گذشته دو تن از کارشناسان حقوق

۴۵۰۰ اعدامی در ایران با تکلیف‌اند

کنار عربستان سعودی، عراق و چین بالاترین شمار اعدامی‌ها را در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ را داشته است. ایران تاکنون آماری رسمی از تعداد دقیق اعدام‌ها منتشر نکرده است.
بیشترین شمار اعدام در ایران مربوط به جرایم مواد مخدر است. عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، وزیر داخله‌ی ایران در ماه ثور گذشته از تشکیل کمیته‌ی ویژه‌ی به‌منظور بررسی مجازات‌های جایگزین اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر خبر داد.

به نقل از رادیو زمانه، این عضو کمیسیون گفته است که در حال حاضر ۴۵۰۰ نفر زندانی در ایران زیر حکم اعدام هستند و باید برای حل مشکل آنان چاره‌یی اندیشد.
حضرت‌پور درباره‌ی تکرار جرایم پس از آزادی زندانیان گفت: «واقعیت این است که تکرار بسیاری از جرایم به‌دلیل آسیب‌های موجود در جامعه از جمله بیکاری است.»
بر پایه‌ی گزارش سازمان عفو بین‌الملل ایران در

اطلاعات روز: روح‌الله حضرت‌پور، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی ایران می‌گوید ۴۵۰۰ اعدامی در ایران با تکلیف‌اند و باید در قوانین اعدام بازنگری صورت بگیرد.
او به روز یک‌شنبه به خبرگزاری کار ایران، ایلنا، گفته است که بازداشت و زندان در پیشگیری از ارتکاب جرم بازدارنده نیست و باید در برخی قوانین قوایی از جمله قوانین مربوط به اعدام بازنگری کارشناسانه صورت گیرد.

واشنگتن هیأتی را برای تحقیق درباره‌ی گولن به ترکیه می‌فرستد

همچنین اعلام کردند: «مقام‌های امریکایی از وزارت دادگستری و خارجه خواستار دیدار و گفت‌وگو با مقام‌های دولت ترکیه شدند.»
این مقام‌ها همچنین افزودند: «می‌توانیم تایید کنیم که نمایندگان وزارت دادگستری و خارجه به‌طور حتم از ترکیه دیدار خواهند کرد.»
در پی کودتای نافرجام ترکیه، هزاران نظامی، کارمندان عمومی، قضایی و دانشگاهی از کار برکنار شدند و هزاران نفر از سوی دولت بازداشت شدند.

آقای گولن در یک تبعید خودخواسته در پنسیلوانیای امریکا زندگی می‌کند و متهم به کودتایی است که در آن ۲۰۰ نفر کشته شدند. این رهبر مذهبی ادعای دولت ترکیه را رد کرده است.
پس از کودتا، مقام‌های دولت ترکیه اعلام کردند که اگر امریکا فتح‌الله گولن را به ترکیه باز نگرداند، به روابط دو کشور به‌شدت آسیب می‌رساند.
به نقل از خبرگزاری ایلنا، مقام‌های وزارت دادگستری امریکا که نخواستند نام‌شان فاش شوند،

اطلاعات روز: یک هیأتی متشکل از مقام‌های وزارت خارجه و دادگستری ایالات متحده‌ی امریکا به شهر آنکارا سفر می‌کند و اتهام‌های دولت ترکیه علیه فتح‌الله گولن، رهبر مذهبی سیاسی ترکیه، را بررسی خواهد کرد.
پس از کودتای نافرجام گروهی از ارتش ترکیه در ۱۵ جولای، دولت ترکیه آقای گولن را متهم به رهبری این کودتا کرده و رییس‌جمهور اردوغان از امریکا خواست تا گولن را به ترکیه بازگرداند.

کوتاه به دنبال جذب کیهلینی

روزنامه سان مدعی شد که جلسی در تلاش است جورجو کیهلینی، مدافع یوونتوس را با ۲۵ میلیون پوند به خدمت بگيرد.

آنتونیو کونته اخیراً اعلام کرده که تیمش به جذب یک مدافع نیاز دارد و تا پیش از پایان نقل و انتقالات آن‌ها باید برای جذب یک مدافع مطمئن اقدام کنند.

کوتاه ۳ فصل در یوونتوس با کیهلینی ۳۲ ساله کار کرده و در تیم ملی ایتالیا نیز هدایت او را بر عهده داشته و شناخت خوبی از او دارد. پس از شکست آن‌ها در جذب کولیبالی، مدافع ناپولی، به نظر می‌رسد تلاش آن‌ها بر جذب یکی از اضلاع مثلث دفاعی BBC یوونتوس است و باید دید کار به کجا خواهد کشید و آیا یووه دومین بازیکن خود را راهی لیگ برتر خواهد کرد یا نه.

پاسخ تند آرسن ونگر به منتقدانش

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال، پاسخ منتقدین به هزینه نکردن او برای تیم پس از تساوی بدون گل مقابل لسترستیتی را داد.

آرسنال هفته گذشته مقابل لیورپول ۴-۳ شکست خورد و این در حالی بود که شاگردان ونگر موقعیت‌های بسیار کمی روی دروازه لک لک‌ها داشتند. پس از آن بازی او مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت ولی حال پاسخ منتقدین را داد.

او گفت: چرا می‌گویند من مخالف خرید کردن هستم؟ اگر امروز یک میلیارد پوندی انجام دهم، خوب کار کرده‌ام زیرا به حرف شما گوش کرده‌ام ولی هزینه کردن پول، کیفیت را به تیم منتقل نمی‌کند. ما آماده‌ی هزینه کردن هستیم. اگر ۳۰۰ میلیون پوند داشته باشیم و بازیکن مناسب پیدا کنیم، ۳۰۰ میلیون را هزینه خواهیم کرد. باشگاه ۶۰۰ کارمند دارد و ما در قبال آن‌ها مسئول هستیم. جالب است پس از یک مسابقه فوتبال باید درباره پول صحبت کنیم نه فوتبال. هواداران به شدت تحت تاثیر رسانه‌ها قرار گرفته‌اند و این بخشی از روند طبیعی است. هیچ‌کس از عملکرد خوب هولدرینگ در این بازی صحبت نکرد. شما باید خوشحال باشید زیرا انگلیسی است. شاید به این خاطر که ۵۵ میلیون برایش هزینه نشده اهمیتی ندارد.

درخواست جالب باشگاه بارسلونا از آژاکس

بارسلونا که خواهان جذب سیله‌سن، دروازه‌بان ملی‌پوش آژاکس است، از این باشگاه درخواست جالبی کرده است.

بارسلونا پس از درخواست برائو مینی بر جدایی و پیوستن به منچسترستیتی، به سراغ گزینه‌های مختلف برای جانشینی این دروازه‌بان شیلیایی رفت و سرانجام روی سیله‌سن، دروازه‌بان آژاکس به جمع بندی نهایی رسید.

به ادعای رسانه‌های بارسلونا دو باشگاه در این مورد به توافق نهایی دست یافته‌اند و سیله‌سن قرار است با قراردادی ۵ ساله به ارزش ۱۳ میلیون یورو به بارسا بپیوندد اما این خبر هنوز رسماً اعلام نشده است.

اسپورت و موندو دپورتیوو در همین رابطه دیروز گزارش دادند که بارسلونا و آژاکس هنوز بر سر یک مساله اختلاف دارند.

بارسلونا از آژاکس درخواست کرده تا سیله‌سن در بازی برگشت پلی آف لیگ قهرمانان برابر روستوف که چهارشنبه برگزار می‌شود به میدان نرود چرا که در این صورت ریسک مصدومیت سیله‌سن بالا خواهد رفت و طبعاً در صورت مصدوم شدن، جذب او نیز منتفی خواهد شد اما آژاکس فعلاً با این مساله موافقت نکرده است چرا که با تساوی ۱-۱ بازی رفت در آمستردام، بازی برگشت برای باشگاه هلندی اهمیت فراوانی دارد.

بدیهی است که در صورت مصدوم شدن سیله‌سن، بارسلونا زمان کافی برای پیدا کردن جانشین برائو نخواهد داشت و به احتمال فراوان مانع جدایی این دروازه‌بان با وجود توافق قطعی‌اش با سیتی خواهد شد.

پیشنهاد ۶۰ میلیونی چلسی برای خامس

خبرگزاری اکسپرس مدعی شد که چلسی قصد دارد خامس رودریگز، ستاره خط میانی رئال مادرید را به خدمت بگیرد.

پس از شکست آبی پوشان در جذب لوکاکو و قطعی شدن ماندن مهاجم بلژیکی در اورتون، به نظر می‌رسد کونته می‌خواهد هزینه لازم برای جذب لوکاکو را صرف جذب ستاره کلمبیایی کند. در حالی که خامس و لوکاکو هم پست نیستند ولی به نظر هدف مورد نظر کونته تقویت فاز هجومی تیمش است و از همین رو او به دنبال به خدمت گرفتن بازی‌ساز رئال مادرید است. چلسی برای انتقال خامس ۶۰ میلیون پوند پیشنهاد داده، حال باید دید پیشنهاد ۶۰ میلیون پوندی چلسی برای او کارساز خواهد بود یا نه.



نیمار: طلای المپیک برایم بسیار مهم بود دیگر کاپیتان برزیل نخواهم بود

نیمار، ستاره تیم ملی برزیل مدعی شد که مدال طلای المپیک یکی از بهترین دستاوردهای زندگی او بوده است.

نیمار شنبه‌شب موفق شد همراه تیم ملی برزیل در ضربات پنالتی ۵-۴ آلمان را شکست داده و هم انتقام شکست ۷-۱ دو سال پیش در نیمه نهایی جام جهانی را گرفته و هم مدال طلای المپیک را به دست آورد.

او پس از بازی در این رابطه گفت: این یکی از بهترین اتفاقاتی بود که در زندگی‌ام رخ داد. افتخاری بود که کاپیتان برزیل بودم زیرا از این رخ بعد دیگر کاپیتان نخواهم بود.

برزیل که پرافتخارترین تیم جام جهانی فوتبال است، تا به حال موفق به کسب مدال طلای المپیک نشده بود و این دستاورد برای برزیلی‌ها اهمیت زیادی داشت. با وجود شروع ضعیف سلسائو در این رقابت‌ها، آن‌ها در نهایت موفق شدند قهرمان رقابت‌ها شوند و از همین رو این قهرمانی برای آن‌ها ویژه شد.

برزیل کارش در المپیک را با دو تساوی عجیب برابر

بواتنگ: امیدوارم اولین کاپیتان سیاه‌پوست آلمان باشم

ژروم بواتنگ، امیدوار است تا بتواند اولین کاپیتان سیاه‌پوست تیم ملی آلمان در تمامی اعصار باشد. بعد از خداحافظی باستین شواین اشتایگر از عرصه ملی، از نظر سابقه، بواتنگ دارای بیشترین بازی ملی است اما هنوز یوواخیم لوو در این رابطه صحبتی نکرده است.

بواتنگ ماه گذشته عنوان بهترین بازیکن سال آلمان را از آن خود کرد و امیدوار است که مسائل نژادپرستانه، در انتخاب کاپیتان تیم ملی تاثیر نداشته باشد.

بواتنگ گفت: انتخاب کاپیتان جدید، موضوع مهم و تاثیرگذاری برای تیم ملی آلمان است و من امیدوارم بتوانم بازویند را بر بازوی خود ببندم زیرا می‌دانم در چه شرایطی رشد کرده‌ام. علاوه بر این، در خاطرم است که در دوران تحصیل و در مدرسه نیز به خاطر رنگین پوستی چه مسائلی را پشت سر گذاشتم.

این موضوع و دیگر مسائل، باعث ایجاد حس تعهد در وجود من شده است.

توافق اولیه بارسا و سیتی بر سر براوو

بروت فرناندس، معاون فنی باشگاه بارسلونا، تایید کرد که این باشگاه و باشگاه منچسترستیتی در حال رسیدن به توافق بر سر انتقال کلودیو براوو هستند.

گفته می‌شود پپ گواردیولا به دنبال پیدا کردن گزینه‌ی مناسب برای دروازه تیمش است و کلودیو براوو را به عنوان گزینه اصلی در نظر دارد. در این بین بارسلونا هم برای پر کردن جای این ملی‌پوش شیلیایی، قصد دارد پاسپر سیله‌سن، دروازه‌بان آژاکس را به خدمت بگیرد. براوو در اولین دیدار لالیگا مقابل

چراغ سبز گابی گل به بارسلونا

گابریل باربوسا، مهاجم سانتوس و تیم المپیک برزیل علاقه خود برای بازی در بارسلونا را بصورت غیر مستقیم نشان داد.

بارسلونا سخت در پی جذب یک مهاجم جدید است اما هنوز در این مورد به توفیقی دست پیدا نکرده است. گامیرو، نولیتو، ویه تو و ژسوس، بازیکنانی بودند که به پیشنهاد بارسا پاسخ منفی دادند و چند روزی است که نام پاکو آکاسر، مهاجم والنسیا به

هیگواين: خوشحالم در اولین بازی ام گولزنی کردم

گونزالو هیگواين، مهاجم یوونتوس مدعی شد که از گولزنی در اولین بازی‌اش برای یوونتوس بسیار خوشحال است.

هیگواين با ۹۰ میلیون یورو از ناپولی به یوونتوس پیوست و بهترین گولزنی سری A، فصل جدید را از روی نیمکت شروع کرد ولی در نیمه دوم به میدان آمد و گول پیروزی بخش تیمش را به ثمر رساند. پس از بازی او مدعی شد که از این موضوع بسیار خوشحال است.

او گفت: خیلی خوشحالم که در بازی اولم برای یووه، گولزنی کردم و پیروز شدیم. باید به همین روند ادامه دهیم. این که با برد شروع کنیم خیلی مهم بود. سخت تلاش کردیم و شایسته پیروزی بودیم. امیدوارم تشویق‌های هواداران را با گول‌های زیاد پاسخ دهم. می‌خواهم تا جایی که می‌شود جام ببرم ولی این تازه شروع است. گول را به همه کسانی که به من ایمان داشتند تقدیم می‌کنم.

هره‌را: والنسیا بهترین دفاع راست دنیا است

آندره هره‌را، معتقد است که آنتونی والنسیا، هم‌تیمی وی در منچستر یونایتد بهترین دفاع راست حال حاضر دنیا به شمار می‌آید.

آنتونیو والنسیا که در سال ۲۰۰۹ و با نظر فرگوسن به منچستر ملحق شد، با نظر مورینیو از ارکان ثابت این در تیم در فصل جاری است.

هره‌را گفت: من او را از نزدیک می‌شناسم و به روش بازی وی علاقمندم. معتقدم که او در پشت خودش در دنیا بهترین است. وقتی دفاع راست در طول بازی چندین بار به دفاع اضافه شده و کمک می‌کند و همچنین در کارهای هجومی نیز موفق است، باید بدانید که او فوتبال را به خوبی می‌فهمد.

وقتی من پا به توپ می‌شوم، همیشه می‌دانم که والنسیا در کنار من است و آماده دریافت توپ است. همیشه او یک راه‌حل خوب برای ادامه بازی دارد. حالا والنسیا هفت سال که عضو منچستر است و عضو مهمی از تیم محسوب می‌شود. در انتهای فصل گذشته نیز به شما گفتم که فصل خوبی در راه است و والنسیا عضو مهمی از این مجموعه در این راه خواهد بود.

انریکه و پاداش برد برابر بتیس به بازیکنان بارسا

بارسلونا شنبه‌شب موفق شد با نتیجه پرگول ۶-۲ بر بتیس غلبه کرده و شروعی طوفانی در لالیگا داشته باشد. بارسلونا که مدافع عنوان قهرمانی محسوب می‌شود، شنبه‌شب با ۳ گول سوارز، دو گول مسی و تک گول آردا موفق شد بتیس را از پیش رو برداشته و سه امتیاز اول را در لالیگای ۲۰۱۶-۲۰۱۷ ثبت کند.

بارسا در شرایطی به این برد دست پیدا کرد که ۷ غایب داشت و چهارشنبه در سوپرکاپ اسپانیا برابر سویا نیز به میدان رفته بود. فاصله کم بین این دو بازی و غایبانی چون اینستا، نیمار باعث شده بود تا کم‌تر کسی به برد پرگول بارسا فکر کند اما در عمل چنین اتفاقی رخ داد.

لونیس انریکه پس از پیروزی شنبه‌شب، به بازیکنان بارسلونا دو روز استراحت داد و آبی‌اناری‌ها و از چهارشنبه به تمرینات باز خواهند گشت. پیش‌بینی می‌شود که نیمار و رافینیا که درگیر بازی‌های المپیک بودند نیز از چهارشنبه به تمرینات بارسلونا اضافه شوند.

بارسلونا یکشنبه آینده در سن مامش، دیدار سختی مقابل بیلباو پیش رو خواهد داشت.

غیبت کریستیانو در تیم منتخب رونالدو!

در تیم منتخب ۱۱ نفره ایده‌آل رونالدو برزیلی، نامی از کریستیانو رونالدو به چشم نمی‌خورد.

رونالدو برزیلی با پیراهن بارسلونا در سال ۱۹۹۶ به اوج شهرت رسید اما سپس راهی اینتر شد. او سال ۲۰۰۲ از این تیم جدا شد و به رئال مادرید پیوست. ال فنومنو (پدیده) ۵ فصل برای رئال بازی کرد و سال ۲۰۰۷ به عضویت میلان درآمد.

رونالدو سال ۲۰۱۴ از کریستیانو برای گرفتن توپ طلا در مقابل مسی به حمایت پرداخت. فوق ستاره سابق برزیلی در مصاحبه با FATV در مورد تیم رویایی خود از ۱۱ بازیکن نام برد که نام کریستیانو در میان آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

۱۱ بازیکن برتر تاریخ فوتبال از نگاه رونالدو برزیلی: بوفون، کافو، مالدینی، کاناوارو، روبرتو کارلوس، مارادونا، زیدان، پیرلو، مسی، پله و رونالدو (خودش).



بسته های جدید اینترنت از ام تی ان



به بسته های جدید انترنت خوش آمديد

حالا ام تی ان برای شما بسته های قابل نیازتان را پیشکش مینماید. شما میتونید در یکی از ۳ بسته روزانه، ۳ بسته هفته وار، ۵ بسته ماهوار و ۲ بسته شبانه انترنت اشتراک نموده و کرایه خردی را پس انداز نمایید.

برای معلومات به جدول ذیل مراجعه نمایید.

نوع بسته	حجم	هزینه بسته	مدت اعتبار	مطریقه فعال نمودن
روزانه	۴۰ ام بی	۱۵ افغانی	همان روز	۱۱ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۱۰۰ ام بی	۳۰ افغانی	همان روز	۱۲ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
هفته وار	۴۰۰ ام بی - ۵۰۰ ام بی	۱۵۰ افغانی	همان روز	۱۳ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۲۵۰ ام بی	۷۵ افغانی	۷ روز	۲۱ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
ماهوار	۱۵۰۰ ام بی	۱۵۰ افغانی	۷ روز	۲۲ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۱۰۰۰ ام بی	۱۰۰ افغانی	۷ روز	۲۳ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
بسته های شبانه از ۱۱ شبالی ۷ صبح	۲۰۵ ام بی	۳۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۰ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۴۰۰ ام بی	۴۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۱ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
بسته های شبانه از ۱۱ شبالی ۷ صبح	۸۰۰ ام بی	۷۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۳ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۱۵۰۰ ام بی	۱۳۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۴ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
بسته های شبانه از ۱۱ شبالی ۷ صبح	۳۵۰ ام بی	۲۵۰ افغانی	۳۰ روز	۳۱ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۳۵۰ ام بی	۱۷۵ افغانی	۳۰ روز	۳۲ را به ۳۴۴ ارسال نمایید



برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ هر تماس شوید.
لٲ و راجستر سٲکارٲ حتمی میباشد.
www.mtn.com.af | MTN Afghanistan | @MTNAF
Linked | MTN Afghanistan | MTNAF

با شما در همه جا



آریانا با یک دنیا افتخار، صداقت و خدمت گذاری صمیمانه

همگام با شما در ثواب حج شریک خواهد بود.

ما میزبان صمیمی و دلسوز شما همچنان می باشیم

- Facebook.com/flyariana
- ariana.afghan.ariana
- twitter.com/flyARIANAafghan
- youtube.com/user/flyariana

- +93(0)777071333
- +93(0)700071333
- +93(0)790071333
- +93(0)786071333
- www.flyariana.com
- info@flyariana.com



د پراختیا په لور یو بل ارزښتناک گام



د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت د خپل اساسي هدف د تحقق له مخې چې هغه دهیواد د کلیو او بانډو پراختیا ده د هیواد په ټولو کلیو او بانډو کې د زرگونو پراختیایي پروژو په تطبیق سره د خلکو د ژوند د ښه والي په برخه کې مهم نقش تر سره کړې. اوس دافغانستان اکثره کلی د کلیوالي سړکونو، پلونو او پلگونو په ودانولو سره له نورو سیمو سره نښلول شوي او خلک په آسانی سره کولی شي خپل کرنیز محصولات بازار ته ولیږدوي او لدې لارې ټولنیزې او اقتصادي هوساینې ته لاس رسی ومومي. په بیلابیلو برخو او سکتورونو کې د نورو زرگونو ټولگنو پروژو جوړیدل چې د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت د مختلفو برنامو په وسیله سرته رسیدلي، دا ټول د دې ټکي څرگندوي دي چې د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت تل هڅه کوي خو د هیواد کلی اوبانډې یو شان وده او پراختیا ومومي او زموږ کلیوال د هیواد په هره برخه کې وکولی شي د پراختیا له گټو او آسانتیاووڼه برخمن شي. د همدې هدف له مخې پدې وروستیو کې د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزیر انجنیر نصیر احمد «دراني» په هغه سفر کې چې بدخشان ولایت ته یې درلود دیاد ولایت د دروازه ولسوالۍ د عمراني پروژو د کار جریان د کتنې تر څنګ د کلیوالي سړک (۱۳) پروژې چې په هغه کې د (۱۱۰) مترو په اوږدوالي یو لوی پل، او (۱۷۰) کیلو متره اوږد حلقوې سړک هم شامل وو، پرانستې.

د (۱۱۰) متره لوی پله پروژو د کوزیقتل ولسوالۍ د کزړپه سیمه کې، د (۱۹،۵) کیلو متره کلیوالي سړک پروژو د کوف آب او خواهان په ولسوالیو کې او د (۱۹) کیلو متره سړک او یوه (۱۲) متره اوږده بل پله پروژو د شیکۍ په

ولسوالۍ کې پرانسته چې د دې پروژو د پرانستلو په مراسمو کې په ولسې جرګه کې د بدخشان ولایت د خلکو استازې، د دولتي ادارو مسوولین، قومي مشران او د سیمې یوشمیر اوسیدونکي هم حاضر وو. د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزیر انجنیر نصیر احمد «دراني» د یوې عمراني پروژې د پرانستلو په وخت کې وویل:

« له نیکه مرغه د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت د بدخشان په ولایت کې په دوه وروستیو کلونو کې د پراختیایي فعالیتونو په دوام د ښوونې اوزونې، روغتیا، سیمه ایزې پراختیا، اوبو لگولو او اوبورولو او په تیره بیا د سړک جوړولو په سکتورونو کې د پام وړ لاسته راوړنې لري مونږ به د بدخشان ولایت غرنۍ جغرافیې ته په پاملرنې سره د درواز ولسوالۍ له اوسیدونکو سره یوځای د سړک جوړولو د پروژو د تطبیق له پاره زیاتې هڅې وکړو »

د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزیر د خپلو خبرو په دوام وویل:

« د کزړلوی پل چې (۱۱۰) متره اوږد دی د (۷۵) میلیونو افغانیو په لگښت جوړ شوی دی او د بدخشان ولایت د راغ ها او دروازه اته گونو ولسوالیو مواصلاتي لارې یې له یو بل سره نښلولې دي »
له بلې خوا د کوف آب، شیکي او خواهان ولسوالیو سیمه ایزو متفدینو، علماوو او قومي مشرانو د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزیر ته د تودهرکلي ترڅنګ په زغرده وویل چې ښاغلي انجنیر نصیر احمد «دراني» د افغانستان د اسلامي جمهوري دولت د کابینې لومړنی وزیر دی چې د دوی د صعب العبور ولسوالیو نه یې لیدنه وکړه او د هغوی ستونزې یې په خپلو سترگو ولیدې.

د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزیر، بدخشان ولایت دروازه ته د سفر په ترڅ کې نوموړي د پارلس گونې پراختیایي پروژې د دې ولایت د یقتل پایین، کوف آب، خواهان، شیکې، نسي او مایمي په ولسوالیو کې گټي اخستې ته وسپارلې او د (۱۷۰) کیلو متره حلقوې سړک د جوړیدو په هکله یې داسې وویل:

« د یادونې وړ ده چې د بدخشان ولایت د دروازه حلقوې سړک په هیواد کې د مهمو او حیاتي سړکونو له جملې څخه دی چې د افغانستان او تاجکستان ترمنځ په (۵۶۸) کیلومتري کې پروت دی. د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت تراوسه د (۳۰۶) میلیونو افغانیو په لگښت (۱۷۰) کیلومتره سړک او د (۱۸۱) متره پله په جوړولو سره د شیکې، نسي، یقتل پایین، مایمي، شغان، شهر بزرگ، کوف آب او خواهان ولسوالیو (۲۲۰) لري پراته کلي د ټولنیزو خدمتونو له مرکزونو او نور ولسوالیو سره نښلولی دی. د حلقوې سړک کار به په راتلونکي کال کې بشپړ شي.»

د یادونې وړ ده چې د کلیو د بیارغونې او پراختیا وزارت هڅې دهیواد د کلیو او بانډو د بیارغونې، جوړونې او پراختیا د تحقق په غرض او د ټول افغانستان د کلیو او بانډو د شریفو خلکو د اقتصادي او ټولنیز ژوند د ښه والي له پاره د پای ټکی ونلري او دا کار به د کلیوالو تر بشپړې هوساینې پورې دوام ومومي.